

پشوه نامه

نكارش رساله علمى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱.....مقدمه

بخش اول: شیوه طرح نامه نویسی

۶.....پیشنهاد موضوع

۷.....ویژگی های موضوع

Error! Bookmark not defined. نادرست و نادرست

۹.....الف. چند نمونه از عنوان های نادرست:

۱۰.....ب. چند نمونه از عنوان های درست:

۱۰.....ارائه طرح تفصیلی

۱۱.....مؤلفه های طرح تفصیلی

Error! Bookmark not defined. طرح تفصیلی (فرم) کاربردگ

۱۱.....مسئله تحقیق

۱۳.....ویژگی های مسئله

۱۳.....راهکارهای دستیابی به مسئله

۱۵.....تبارشناسی مسئله

۱۶.....مثال

۱۶.....بیان مسئله

۱۸.....مثال

۱۹.....محدوده مسئله

۲۰.....اهمیت و ضرورت مسئله

۲۰.....سؤال اصلی و فرعی

۲۱.....الف. سؤال اصلی

۲۲.....ب. سؤال های فرعی

مثال ۱.....	Error! Bookmark not defined.
مثال ۲.....	۲۳
مثال ۳.....	۲۴
مثال ۴.....	۲۴
ج. سؤال‌های فرعی فرعی.....	۲۵
د. بارش فکری.....	Error! Bookmark not defined.
پیشینه تحقیق.....	۲۶
الف. پیشینه مسئله.....	۲۶
ب. پیشینه پژوهش‌های مسئله.....	۲۷
فرضیه تحقیق.....	۲۸
پیش فرض‌ها و مبانی.....	Error! Bookmark not defined.
اهداف تحقیق.....	۳۰
روش پژوهش.....	۳۱
سازماندهی تحقیق و نحوه توجیه آن.....	۳۲
بخش دوم: شیوه نگارش رساله علمی	
ساختار پایان نامه.....	۳۷
۱. چکیده.....	۳۷
۲. واژگان کلیدی.....	۳۸
۳. مقدمه.....	۳۹
۴. فصل اول: مفاهیم و کلیات.....	۳۹
۵. فصول دیگر.....	۴۰
۶. نتیجه گیری و پیشنهاد.....	۴۱
۷. فهرست منابع.....	۴۱
روش مستندسازی و ارجاعات.....	۴۲
زبان رساله علمی.....	۴۴
روی جلد.....	۵۰

تنظیم رساله.....	۵۰
ضرورت‌های نگارش رساله علمی سطح سه.....	۴۵
ضرورت‌های نگارش رساله علمی سطح چهار.....	۴۸

بخش سوم: اخلاق نگارش

مقدمه.....	Error! Bookmark not defined.
یک. اصول و ارزش‌های اخلاقی نگارش.....	۵۵
۱. حرفه‌ای بودن در پژوهش.....	۵۶
۲. امانت‌داری.....	۵۷
۳. رازداری.....	۵۷
۴. قضاوت مستدل.....	۵۷
۵. رهیافت نقادانه.....	۵۸
۶. نقدپذیری.....	۵۸
۷. کثرت‌گرایی روش‌شناختی.....	۵۸
۸. رعایت حریم شخصی افراد.....	۵۹
۹. کسب رضایت آگاهانه.....	۵۹
۱۰. صداقت.....	۵۹
۱۱. حلم و بردباری.....	۶۰
دو. منابع مطالعاتی در باره اخلاق پژوهش و نگارش.....	۶۲

بخش چهارم: ضمائم

دستورالعمل تدوین رساله علمی.....	۶۹
فلوچارت فرایند نگارش رساله علمی.....	۷۳
فهرست منابع.....	۷۵

مقدمه

ضرورت ارتقای کیفیت پایان‌نامه‌های حوزوی از یک‌سو و لزوم همسان‌سازی و ایجاد وحدت رویه در شیوه‌های راهنمایی، مشاوره، داوری و تدوین رساله‌های علمی حوزه از سوی دیگر، ما را بر آن داشت که با بررسی شیوه‌نامه موجود، به اصلاح و تکمیل آن بپردازیم. نوشتار حاضر، براینکه این بررسی و اصلاح است. این نوشتار مختصر، صرفاً کوشیده است که با ارائه نتایج این بررسی، دانش‌آموختگان حوزوی را در فرایند تحقیق و نگارش پایان‌نامه یاری دهد. به همین دلیل، در صدد «آموزش» مهارت‌های پژوهشی به حوزویان نیست؛ زیرا دانش‌پژوهان محترم حوزوی بایستی مهارت‌های پژوهشی را در کلاس‌ها و کارگاه‌های مربوط بیاموزند. یادآور می‌شویم که بسیاری از دردهای دینی و فرهنگی جامعه، باید به صورت میدانی و از طریق مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه و مانند اینها درمان شود و این امر، ضرورت پژوهش‌های میدانی را روشن می‌سازد؛ اما رویکرد اصلی این شیوه‌نامه، پژوهش‌های کتابخانه‌ای است؛ نه میدانی. بنابراین، برای پژوهش‌های میدانی، شیوه‌نامه‌ای مستقل لازم است.

شیوه‌نامه پیش رو، در چهار بخش اصلی تنظیم شده است:

بخش اول: شیوه طرح‌نامه‌نویسی؛

بخش دوم: شیوه نگارش رساله علمی؛

بخش سوم: اخلاق نگارش؛

بخش چهارم: دستورالعمل تدوین رساله علمی.

در همین جا لازم است از همه استادان، صاحب‌نظران و کارشناسان محترم که ما را در تهیه این اثر ارزشمند یاری رساندند، تشکر کرده، این مساعدت آنها را بستاییم.

بخش اول

شیوه طرح نامه نویسی

ناآشنایی با فرایند پژوهش و برنامه‌ریزی ناصحیح قبل از تحقیق، یکی از آسیب‌هایی است که محقق را به دوباره‌کاری و هدررفت وقت و هزینه و احیاناً یأس و دلسردی می‌کشاند. سردرگمی، تضییع وقت، پایین بودن کیفیت پژوهش‌ها و عدم انسجام آنها و حتی گاهی ناکامی در نیل به اهداف تحقیق، از پیامدهای همین آسیب و آفت است. بنابراین، ضرورت طرح‌نامه‌نویسی از همین‌جا روشن می‌شود. طرح‌نامه می‌تواند همانند یک نقشه در ساختن بنا، عمل کند. محقق با داشتن یک طرح خوب، می‌تواند در فرایند نسبتاً طولانی که برای تهیه رساله علمی طی می‌کند، از انحراف‌های روشی و آفات دیگر مصون بماند.

متأسفانه، بسیاری از دانش‌پژوهان بدون مطالعه کافی و به صورت ناقص به طرح‌نویسی می‌پردازند. آنها به اهمیت طرح پی نبرده‌اند و تصور می‌کنند وقت‌شان با طرح‌نامه گرفته می‌شود؛ در حالی که محقق موفق، بسیاری از مطالعاتی را که بعد از طرح می‌خواهد انجام دهد، به قبل از طرح منتقل می‌کند تا با دید باز و با تسلط کافی، نقشه کار خود را ترسیم کند.

باید بدانیم که با آماده‌سازی و تدوین یک طرح کارآمد و صحیح، نیمی از فرایند تحقیق انجام شده است. برای رسیدن به این هدف، دو گام اساسی را باید محکم برداشت: اول. پیشنهاد موضوع یا به عبارت درست‌تر، پیشنهاد عنوان؛ دوم. ارائه طرح تفصیلی.

یک. پیشنهاد موضوع^۱

دانش پژوه در فرایند آماده‌سازی و تدوین طرح‌نامه رساله علمی، پیش از هر کاری باید موضوع یا عنوان رساله خود را شناسایی و پیشنهاد کند و بعد از تصویب آن، به تکمیل طرح تفصیلی رساله‌اش بپردازد.

محقق در این مرحله، برای شناسایی و پیشنهاد موضوع، باید پس از بررسی‌ها و مشورت‌ها، نیازهای علمی و پژوهشی و اولویت‌های موجود جامعه و محیط خود را بسنجد و بر اساس این نیازسنجی، دو موضوع یا عنوان را به ترتیب اولویت و علاقه‌مندی، برای طرح در شورای تحصیلات تکمیلی ارائه کند.

در ضرورت و اهمیت نیازسنجی علمی همین بس که اگر نیازها و اولویت‌های پژوهشی در هر موضوعی از دانش به خوبی و بر اساس فرایندی علمی و معتبر شناسایی نشود و ارتباطی منطقی میان پژوهش‌ها و نیازهای واقعی پدید نیاید، گسستی عمیق بین نتایج پژوهش و نیازهای جامعه نمایان خواهد شد. درست با عنایت به همین ضرورت بوده که طرح‌های «نیازسنجی پژوهشی دانش‌های حوزوی» در معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه تا کنون اجرا و

^۱. منظور از موضوع در این موارد، همان موضوع محدود و جزئی و مقید است که در واقع، قرار است «عنوان تحقیق» ما بشود. عنوان باید بتواند به یک دغدغه علمی مشخص (مسئله) دلالت کند.

منتشر شده است.^۱

بنابراین، شایسته است نگارنده رساله علمی، پیش از پیشنهاد موضوع، با نگاهی به این‌گونه طرح‌های علمی که از تعامل و ترابط با شخصیت‌ها، مراکز، مؤسسات و نهادهای علمی و پژوهشی بسیاری بر آمده است، این مسیر را برای خود هموارتر سازد.

ویژگی‌های عنوان

عنوان، شبیه یک آدرس است که خواننده را به اثر راهنمایی می‌کند و دغدغه ذهنی محقق را نمایان می‌سازد. بنابراین، محقق برای اینکه بتواند عنوان درستی را برای رساله خود انتخاب و پیشنهاد کند، لازم است مهارت عنوان‌یابی و شرایط آن را به خوبی بیاموزد. برای یادگیری این مهارت، ابتدا باید ویژگی‌های موضوع یا عنوان پیشنهادی را بشناسد و سپس آنها را در عنوان رساله به کار ببندد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. محدود، مقید و مشیر به مسئله^۲

اگر عنوان، لفظی مطلق و عام مانند وحی، علم و انسان‌شناسی باشد، به مسئله پژوهش مشیر نخواهد بود؛ در حالی که یکی از

^۱. برخی از این طرح‌ها عبارت‌اند از: ۱. اولویت‌های پژوهشی دانش فقه؛ ۲. اولویت‌های پژوهشی تفسیر و علوم قرآن؛ ۳. اولویت‌های پژوهشی مناسبات دین و روان‌شناسی؛ ۴. اولویت‌های پژوهشی نظام تعلیم و تربیت حوزه علمیه؛ ۵. اولویت‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ ۶. اولویت‌های پژوهشی ادبیات داستانی در حوزه دین.

^۲. از لحاظ منطقی، عنوان بعد از پیدایش مسئله در ذهن، مشخص می‌شود؛ اما از آنجا که دانش پژوه باید در گام اول، عناوین مطلوب خودش را پیشنهاد کند، آن را مقدم کرده‌ایم.

بایستگی‌ها و ویژگی‌های مهم عنوان این است که به مسئله پژوهش اشاره داشته باشد. نگارنده رساله علمی، ابتدا باید بداند که در صدد حل چه مسئله‌ای است و گم‌شده او در این تحقیق چیست؛ سپس آن را در یک عبارت به صورت شبه‌جمله اعلام کند.

۲. جدید و غیر تکراری

تازگی و نو بودن از دیگر ویژگی‌های موضوع یا عنوان رساله است. بر این اساس، با پرهیز از پیشنهاد عناوین و موضوعات تکراری و کهنه، بایستی عناوین تازه، نو و خلاقانه را برای رساله خود برگزید.

۳. واضح و متمایز

استفاده از الفاظ مشترک لفظی یا مبهم در عنوان رساله صحیح نیست. برای وضوح بخشیدن به عنوان، ناچاریم الفاظ دیگری را بدان بیفزاییم. بنابراین، در کارهای پژوهشی نمی‌توان گفت که کوتاه بودن عنوان یک مزیت است؛ اما در کتاب‌ها که معمولاً موضوع محور هستند و همچنین در آثار ادبی، از یک عنوان کوتاه، مثلاً دو یا سه کلمه‌ای، می‌توان استفاده کرد؛ مانند «ولایت فقیه در اسلام» یا «مینای قلم».

۴. خوب و درست

برخی عناوین رساله‌ها به درستی انتخاب نمی‌شوند؛ عنوانی مانند «مهدویت؛ آفتاب پشت ابر» دلالت می‌کند که محقق معنای مهدویت را به خوبی نفهمیده است یا عناوینی مانند «شک در قرآن» و «خطا در قرآن» عنوان‌های درست و خوبی نیستند؛ زیرا یک مفهوم نامطلوب و ضد ارزشی را به ذهن القا می‌کنند.

۵. مفهوم و رسا

عنوان رساله باید به گونه‌ای باشد که شنونده بفهمد پژوهنده می‌خواهد به چه سؤال مهمی پاسخ دهد. اگر نگارنده بتواند در قالب یک سؤال، دغدغه علمی خود را بیان کند، با تبدیل آن سؤال به شبه‌جمله، عنوان تحقیق را نیز به دست خواهد آورد و آن را برای شنونده قابل فهم خواهد کرد.

اکنون با توجه به ویژگی‌های یاد شده، عناوین و موضوعات درست را از نادرست بهتر می‌توان درک کرد. در ادامه، برخی از این دو دست عناوین را بر می‌شماریم:

چند نمونه از عناوین نادرست:

۱. کار از نظر آیات و روایات؛
۲. موفقیت از نظر قرآن؛
۳. پژوهشی در باره ولایت فقیه؛
۴. شرایط منتظر واقعی؛
۵. کفر از نظر آیات و روایات؛
۶. صبر در اسلام؛
۷. تقوا و آثار اخروی آن؛
۸. عوامل افزایش طلاق در دهه‌های اخیر؛
۹. نگاهی به ولایت فقیه؛
۱۰. نیم‌نگاهی به بحث خاتمیت؛
۱۱. نگاهی دوباره به مسئله شر؛
۱۲. درآمدی بر شفاعت از نگاه شیعه؛

۱۳. پژوهشی در باب رجعت؛

۱۴. پژوهشی مختصر در باره تربیت فرزند.

چند نمونه از عناوین درست:

۱. ارزش کار فکری و معنوی از نظر آیات و روایات؛

۲. راهکارهای موفقیت علمی از نظر قرآن؛

۳. نقد ادله مطلق بودن ولایت فقیه از نگاه متکلمان معاصر؛

۴. شرایط معنوی منتظر واقعی از نگاه شهید مطهری؛

۵. معیار کافر شدن از نظر روایات شیعی؛

۶. آثار صبر بر گناه از نگاه اسلام؛

۷. آثار اخروی تقوا از نگاه نهج البلاغه؛

۸. عوامل افزایش طلاق در پنج سال اول زندگی بین زوج‌های

تحصیل کرده در قم در دهه اخیر (تحقیق میدانی)؛

۹. وجوه اهمیت ولایت فقیه از منظر قرآن و روایات؛

۱۰. بحث تطبیقی خاتمیت از نگاه شهید مطهری و اقبال لاهوری؛

۱۱. نقد و بررسی ادله فلاسفه قرون وسطا در تبیین مسئله شر؛

۱۲. شرایط شفاعت شونندگان از نگاه شیعه؛

۱۳. طبقه‌بندی ادله رجعت در متون اسلامی؛

۱۴. بررسی نقش نوجوان در تربیت خویشان از نگاه متون اسلامی.

دو. ارائه طرح تفصیلی

دومین گام در فرایند آماده‌سازی و تدوین طرح رساله علمی، ارائه

طرح تفصیلی است. مراکز آموزشی و پژوهشی کشور، عناصر، مؤلفه‌ها و شاخص‌های یکسانی را برای طرح تفصیلی طراحی نکرده‌اند؛ اما در اینجا، سعی شده است برخی از این عناصر به اختصار توضیح داده شود. ضمن آنکه نگارندگان رساله علمی می‌تواند بعد از مطالعات کافی و تهیه پیش‌نویس طرح تفصیلی، از اساتید راهنما و مشاور در این زمینه کمک بگیرند.

مباحث زیر به صورت خلاصه، نویسندگان رساله را با اجزا و عناصر طرح تفصیلی آشنا می‌سازد و برای آنها توضیح می‌دهد که در هر قسمت از طرح تفصیلی، چه اطلاعاتی را باید از قبل داشت و چگونه آن اطلاعات را به فرم طرح تفصیلی انتقال داد.

عناصر طرح تفصیلی

برای آشنایی نگارندگان رساله‌های علمی با فرایند آماده‌سازی و تدوین طرح‌نامه و چگونگی تکمیل فرم طرح تفصیلی، برخی مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده طرح تفصیلی رساله علمی در ادامه بررسی و تبیین می‌شود.

۱. مسئله تحقیق

مسئله عبارت است از یک مجهول یا سؤالی که از چند معلوم مرتبط به هم به وجود می‌آید و با اطلاعات رایج و متداول نمی‌توان به آن پاسخ داد. جواب مسئله، بالفعل روشن و آماده نیست؛ ولی با

طی فرایندی پژوهشی، می‌توان آن را از منابع موجود کشف کرد. از این رو، بسیاری از سؤال‌های ما، پژوهشی و منشأ یک تحقیق نیست؛ بلکه سؤالی آموزشی و شخصی است که بعد از مطالعه جواب‌های موجود در منابع و با پیمایش فرایند یادگیری و آموزش رفع می‌شود. مسئله علمی باید در تاریخ همان علم نیز مسئله باشد؛ نه فقط برای پژوهنده. از این رو، طبعاً کسی که «آموزش کافی» ندیده است، مسئله به معنای واقعی کلمه نداشته باشد. سرآغاز مسئله‌یابی، داشتن یک سؤال پژوهشی است نه آموزشی.

نگارنده رساله، قبل از تکمیل طرح تفصیلی، باید هم در باره موضوع به صورت عام و هم در باره مسئله به صورت خاص، مطالعات کافی داشته باشد. موضوع یک امر کلی و مشتمل بر مقولات متعدد است و معمولاً با یک «عنوان عام» در یک تا سه کلمه بیان می‌شود؛ مانند «سبک زندگی اسلامی»؛ اما مسئله، جزئی است و معمولاً با یک عنوان که شامل کلمات بیشتری است، به آن اشاره می‌شود.

همچنان که قبلاً اشاره شد، «عنوان باید مشیر به مسئله باشد»؛ مانند «بررسی نقش رسانه در جلوگیری از بزهکاری نوجوانان». بنابراین، محقق قبل از شروع تحقیق، بایستی از ابعاد موضوع و مسائل مندرج در آن تصور درستی داشته باشد و بر اساس شرایط و شاخص‌های یک مسئله خوب، مسئله‌ای نسبتاً جزئی و محدود را برای رساله خود انتخاب کند. در این زمینه توصیه می‌شود که

دانش پژوهان، ابتدا ده‌ها سؤال به صورت بارش فکری در باره خود موضوع طرح کنند و سپس با مطالعه کنجکاوانه و انتقادی در مورد پیشینه موضوع و مشاوره با اهل فن، «مسئله» تحقیق خود را به درستی انتخاب کنند.

۱-۱. ویژگی‌های مسئله

مسئله خوب دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آنها بدین قرار است:

۱. مورد علاقه بودن؛
۲. ارزش تحقیق داشتن؛ نه مثل «شمارش تعداد آن در نهج البلاغه»
۳. قابلیت تحقیق داشتن؛ نه مثل «تبیین کارهای اصحاب کهف در غار»
۴. تازگی داشتن؛
۵. اولویت داشتن و رعایت الأهم فالاهم؛
۶. معلوم نبودن نتیجه از قبل؛ نه مثل «تأثیر ایمان بر ترک گناه»
۷. امکان دست‌یابی به منابع؛
۸. قابل انتشار بودن نتایج؛
۹. منطبق با تخصص‌ها و توانمندی‌های محقق و استاد راهنما و مشاور؛
۱۰. تعیین ابعاد و مشخص بودن قلمرو؛
۱۱. دانستن روش مناسب.

۱-۲. برخی از راهکارهای دست‌یابی به مسئله

گزینش مسئله برای تحقیق، اولین گامی است که گاهی برای

بسیاری از دانش‌پژوهان به یک مشکل تبدیل می‌شود. بنابراین، لازم است با راهکارها و شیوه‌های دست‌یابی به مسئله آشنا شد. برخی مجاری و راهکارهای مسئله‌یابی عبارت‌اند از:

۱. مراجعه به مراکز و مؤسسات پژوهشی که هر ساله اولویت‌هایی را در راستای وظایف و اهداف خود در نظر می‌گیرند؛
۲. مطالعه فراخوان کنفرانس‌های علمی، مسابقات علمی و پژوهشی و همایش‌های علمی؛
۳. توجه به مشکلات، معضلات و نیازهای جامعه که متناسب با تخصص و مهارت‌های پژوهنده، مسائلی را مقابل او می‌گذارد؛
۴. خواندن کتاب‌های تخصصی و یادداشت موضوعات مورد علاقه که محقق را به ایده‌هایی خوب برای تحقیق می‌رساند؛
۵. استفاده از سخنرانی‌های شخصیت‌های جامعه، برنامه‌های صدا و سیما و مباحث روزنامه‌ها و مطبوعات که موضوعات جدیدی را در اختیار محقق می‌گذارد؛
۶. دقت در مباحث کلاس‌های درس؛
۷. مراجعه به منابع مربوط به رشته تحصیلی؛
۸. مطالعه فصل آخر پایان‌نامه‌ها که پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی مطرح می‌کند؛
۹. مشورت با استادان و افراد مطلع و کارشناس؛
۱۰. کنجکاوی و توجه بیشتر به اطراف و مسائل روزمره و عادی؛
۱۱. مشورت با افراد، مسئولان و ارگان‌های مرتبط با موضوع؛
۱۲. مراجعه به مجموعه کتاب‌های منتشر شده در معاونت پژوهش

حوزه‌های علمی با موضوع «اولویت‌های پژوهشی» در عرصه‌های فقه، اقتصاد، روان‌شناسی، علوم تربیتی، تفسیر، ادبیات و ... ؛

۱۳. جست‌وجوی موضوعات و مسائل جدید در پایگاه‌های اینترنتی با کلیدواژه‌های عمومی همچون: موضوعات پژوهشی، اولویت‌های پژوهشی، مباحث پژوهشی، پیشنهادهایی برای پژوهش بیشتر، مسائل نوین، مسائل جدید. بعضی از این پایگاه‌ها عبارت‌اند از:

- www.seraji.ir (بانک اطلاعات مقالات اسلامی)؛
- WWW.IranDoc (شامل چکیده مقالات و سایر منابع پژوهشی)؛
- www.sid.ir (شامل چکیده و متن بسیاری از مقالات در حوزه‌های مختلف)؛
- www.magiran.com (شامل مجلات و نشریات ایران)؛

۲. تبارشناسی مسئله

تبارشناسی یعنی اینکه مسئله و موضوع تحقیق، ذاتاً متعلق به چه علمی است و علاوه بر آن، در چه علوم و شاخه‌هایی از آنها و از چه حیث و زوایایی قابلیت بحث دارد. این مطلب را می‌توان یکی از عناصر «تحریر محل نزاع» نیز دانست؛ زیرا تعیین روش، پیشینه، منابع و احیاناً نوآوری، در گرو تبارشناسی بحث است. اگر تبارشناسی دقیق نباشد، احتمال دارد بین علوم خلط شود. در تبارشناسی می‌آموزیم که مسئله با اینکه شاید به علم خاصی تعلق داشته باشد، برای حل آن از علوم دیگر نیز ممکن است یاری بجوییم.

محل ذکر تبارشناسی در سطور اولیه و قبل از تعریف دقیق مسئله یا موضوع است؛ ولی بهتر است بعد از تعریف مسئله بیاید. تبارشناسی یکی از راه‌های تحدید مسئله یا موضوع و تعیین قلمرو آن دو است. بنابراین، ممکن است هم برای موضوع و هم برای مسئله مطرح باشد؛ اما تبارشناسی مسئله، محدودتر است.

مثال

تقیه، به خودی خود، یکی از مباحثی است که در علوم و شاخه‌های متعدد، از آن بحث می‌شود. احکام خمسۀ آن در شرایط مختلف، بر عهده فقه است. نقش تقیه در اعتماد به روایات و راویان آنها، به فقه‌الحديث و علم رجال مربوط می‌شود. تقیه از این حیث که می‌تواند در روابط اجتماعی مردم تغییر ایجاد کند، به علم جامعه‌شناسی ربط دارد. محققان ادیان، فرق و مذاهب نیز می‌توانند از زاویه اینکه این آموزه در کدام ادیان و مذاهب و چگونه در آنها جریان دارد، به بحث بپردازند. پیدایش، سیر تحولات و تطورات و وضع فعلی آن را از نگاه تاریخی می‌توان بحث کرد. بحث تقیه، جنبه روان‌شناختی نیز می‌تواند داشته باشد. ... ؛ اما در تحقیق حاضر، ابتدا تقیه را از نگاه تاریخی و سپس از نگاه کلامی پیگیری خواهیم کرد تا در صورت تداوم تقیه، رابطه آن را با ایمان بررسی کنیم.

۳. بیان مسئله

در سطر اول بنویسید که مهم‌ترین مفهوم یا متغیر در عنوان شما

یکی از مباحث کدام علم است. سپس، آن را تعریف و اگر تقسیم مهمی دارد ذکر کنید. اگر دیدگاه و مبانی مهم و فراگیری در باب آن موضوع قرار دارد، به اختصار بیان شود.

آنچه گفته شد، بند اول بود که برای تعریف دقیق مسئله، یک مقدمه محسوب می‌شود. در بند دوم، بکشید سؤال اصلی را که همان عنوان پایان‌نامه است، تبیین کنید؛ یعنی مطالبی را ذکر کنید که این سؤال به‌جا و منطقی شود. به عبارت دیگر، بنویسید که چطور این سؤال پیش می‌آید. برای این کار، ممکن است به مبانی، اصول، باید و نبایدها، ترسیم وضع موجود، فاصله جامعه با وضع مطلوب، اختلاف آرا در یک زمینه، خلأ معرفتی در یک عرصه و مانند اینها پردازید؛ ولی در نهایت بنویسید:

اکنون این سؤال پیش می‌آید که + همان سؤال اصلی.

پس بهترین راه بیان مسئله این است که اگر می‌خواهید مسئله خود را مثلاً در ده سطر طرح کنید، در جملات اولیه که «بدنه مسئله» نامیده می‌شود، چند جمله خبری بیاورید و در آنها اطلاعات، اصول، مبانی، نظرهای موجود و آگاهی‌های لازم (از قبیل فاصله وضع موجود با وضع مطلوب، احساس خلأ معرفتی، تناقض ظاهری و غیره) را به خواننده بدهید. سپس، از دل این چند جمله، سؤال نهفته خود را که بسیار شبیه عنوان مقاله یا پایان‌نامه است، ابراز کنید؛ البته این مقدمه‌چینی باید چنان دقیق و طبیعی و بدون طفره باشد که خود خواننده نیز اگر آن اطلاعات داده شده را کنار

هم بگذارد، با شیب ملایم به همان پرسش شما منتهی شود. ما در طول روز بارها مسئله تبیین می‌کنیم؛ از جمله: نزد پزشک برای شرح بیماری و علایم آن یا نزد مکانیک برای فرایند خرابی یک وسیله نقلیه و یا برای گم شدن چیزی که اصلاً انتظار نمی‌رفت. بنابراین، باید دقت کنیم که در لابه‌لای تعریف مسئله، پاسخ و راه حل آن را ننگنجانیم.

در بند بعدی، اشاره‌ای کنید که این مسئله فوق در درجه اول به کدام علم تعلق دارد و برای حل آن «ممکن است» از چه علوم دیگری نیز از جنبه‌های خاصی که پیدا می‌کند، بحث شود. در آخر، با کلمه «اما» تعیین کنید که در این پژوهش از کدام جنبه و کدام علم یا علوم بحث خواهید کرد.

مثال

عنوان پایان‌نامه: رابطه تقیه مستمر با تضعیف ایمان
 تقیه به عنوان یک فعل مکلف، یکی از مباحث مهم فقهی است. تقیه به معنای مخفی نگه داشتن عقاید در برابر دشمنان خطرناک، است. شرایط مختلف، گاهی شخص متدین را در وضعیتی قرار می‌دهد که وی ناچار است مدت طولانی و در محافل گوناگون، عقاید خود را ابراز نکند و مقتضیات عقاید و ایمان خود را در عملکردهای خود نشان ندهد. از سوی دیگر، ایمان علاوه بر قلب باید به زبان نیز جاری شود و در ارکان و اعضا نیز به مقتضای آن عمل شود. با

توجه به اینکه بر اساس واقعیت‌های فلسفی و روان‌شناختی بین ظاهر و باطن ارتباط فراوانی وجود دارد و اعمال ظاهری انسان ممکن است در دل او نیز نهادینه شود، این سؤال پیش می‌آید که آیا تقیه مستمر ممکن است به ضعف و سردی ایمان نهفته و عمل نشده در دل شخص بینجامد؟ به عبارت دیگر، رابطه تداوم تقیه و ضعف ایمان چیست؟

۴. محدوده مسئله

قلمرو و دامنه مسئله را باید روشن کنید. محقق، هم حق دارد و هم وظیفه دارد که بحث خود را محدود و جزئی کند. از این رو، وی باید با توجه به مهارت‌ها و امکانات خود، قلمرو بحث را از لحاظ مکانی، زمانی، منابع، روش، اهداف و لایه‌های بحث محدود سازد. شما می‌توانید تصمیم بگیرید که بر اساس منابع خاصی یا حتی یک منبع خاص، تحقیقی را ارائه دهید. هدف شما ممکن است به توصیف ختم شود و تبیین و چرایی مطلب را جزء وظایف خود ندانید. همچنین می‌توانید برای بررسی مثلا عوامل انحراف انسان، فقط بر عوامل درونی یا بیرونی متمرکز شوید. همه اینها محدودسازی قلمرو تحقیق است و باید به آنها اشاره کنید؛ البته چنین نیست که بتوانیم هر مسئله‌ای را از تمام این جهات محدود کنیم؛ به عنوان مثال، در کتابی با عنوان «جایگاه علم در اسلام»، شاید تحدید زمانی و مکانی در باره آن، لزومی نداشته باشد؛ اما در

برخی پژوهش‌ها، تحدید زمانی و مکانی یا یکی از آن دو مطرح است؛ از جمله در دو عنوان زیر:

الف. «بررسی علل اخلاقی افت تحصیلی در مدرسه راهنمایی پسرانه در مجتمع آموزشی شهرستان فلان در سال جاری»؛

ب. «رفتار پیامبر بزرگوار اسلام (ص) با جوانان اهل علم در مدینه».

۵. اهمیت و ضرورت مسئله

اهمیت عبارت است از اینکه چرا باید این مسئله حل شود و ضرورت، یعنی اینکه اگر این مسئله حل نشود، چه پیامدهایی خواهد داشت. در قسمت اهمیت و ضرورت، باید توضیح دهید که اگر این مسئله حل شود، چه آثار و برکاتی خواهد داشت و چه مسائل دیگری به تبع آن حل خواهند شد. همچنان‌که بی‌تفاوتی به حل آن، چه مشکلاتی را ممکن است ایجاد کند. هر محقق باید در این قسمت، گزینش مسئله خود را از لحاظ اولویت داشتن و نیازسنجی توجیه کند.

برخی مواردی که اشاره به آنها می‌توانند اهمیت مسئله را بیشتر روشن سازند، عبارت‌اند از: اختلاف آرا و سردرگمی حاصل از آن، پیامدهای مثبت حل مسئله، وجود خلأ معرفتی در این زمینه، ناسازگاری دو مطلب و لو در ظاهر، ابهام یا خلط حاصل شده در یک زمینه.

۶. سؤال‌های تحقیق

یکی از فعالیت‌های مهم در هر پژوهشی، انتخاب سؤال است. اصولاً پژوهش با سؤال آغاز می‌شود. انتخاب سؤال، شناخت دقیق و بیان آن یکی از جنبه‌های عمده پژوهش علمی است. محقق برای یافتن پاسخ سؤالی که برای او پیش آمده یا در طول دوره آموزش با آن برخورد داشته است، به تحقیق می‌پردازد.

هدف از تعیین سؤال، ایجاد نهایت تمرکز در فرایند تحقیق است. داشتن یک پرسش علمی، باعث می‌شود که مواد خام جمع‌آوری شده، در دسته‌های مخصوص خود قرار گیرند و محقق در جریان کار، به افق‌های گوناگون کشانده نشود و کنجکاوای او مسیر پژوهش را منحرف نکند. به طور کلی، سؤال‌ها از لحاظ نقش آنها در ساختار تحقیق، به سه دسته تقسیم می‌شوند: اصلی، فرعی و فرعی فرعی.

۶-۱. سؤال اصلی

هر گاه عنوان پایان‌نامه را که شبه‌جمله است، به یک سؤال تبدیل کنیم، به سؤال اصلی دست یافتیم؛ مثلاً اگر عنوان پایان‌نامه این باشد: «راهکارهای مبارزه با جنگ نرم از نگاه قرآن کریم»، سؤال اصلی این خواهد بود: «راهکارهای مبارزه با جنگ نرم از نگاه قرآن چیست؟». از آنجا که عنوان پایان‌نامه یکی بیش نیست، سؤال اصلی نیز یکی خواهد بود؛ البته برخی مراکز، به هر سؤالی که عنوان فصل را می‌سازد، سؤال اصلی می‌گویند که این یک سلیقه است و ما فعلاً با آن کاری نداریم و دعوی لفظی نمی‌کنیم.

خلاصه اینکه سؤال اصلی، همان عنوان پایان‌نامه است که به صورت سؤالی مطرح شده است. توصیه می‌شود برای اینکه مدیریت مباحث پایان‌نامه آسان‌تر شود، فقط یک سؤال اصلی داشته باشید.

۶-۲. سؤال‌های فرعی

سؤال اصلی هر تحقیقی، تا حدی کلی است و به تعدادی از سؤال‌های فرعی تجزیه می‌شود. سؤال‌های فرعی «شاخه»، «فرع» یا «ضلع» سؤال اصلی هستند و فصول تحقیق را باید بر اساس سؤال‌های فرعی تنظیم کرد. شاید مؤثرترین راهنمایی ما در اینجا این باشد که رابطه بین سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی از قبیل رابطه بین مقسم و اقسام است. قسم‌ها باید قسیم همدیگر باشند و از حاصل جمع آنها نیز، مقسم دو باره شکل گیرد، نه بیشتر و نه کمتر. هر گاه یک قالب پنیر را به چهار قسمت تقسیم کنیم، از حاصل جمع آنها باید همان قالب کامل، به دست آید.

سؤال اصلی را در یک جمله نمی‌توان پاسخ داد. بنابراین، باید آن را به چند سؤال تجزیه کرد و به تدریج پاسخ داد. این پرسش‌های جزئی‌تر را سؤال‌های فرعی می‌گویند. این سؤال‌ها «فصل‌ساز» هستند. بنابراین، هر یک از آنها را به یک شبه‌جمله تبدیل کرده، عنوان فصل را دقیقاً طبق آن بنویسید. بر این اساس، محققى که چهار سؤال فرعی دارد، تحقیق او نیز چهار فصل خواهد داشت؛ البته اگر «کلیات» را فصل اول بنامد، مجموعاً پنج

فصل خواهد داشت. برخی پژوهشگران یا مراکز پژوهشی، کلیات را فصل یک قرار نمی‌دهند و آن را بحثی «فراصلی» می‌دانند.^۱

اگر محققان، بدانند که منظور از سؤال‌های فرعی، همان ارکان، اضلاع مهم و شاخه‌های بلافصل سؤال اصلی هستند، مشکل‌شان به کلی حل خواهد شد و دیگر اشتباه نمی‌کنند. از حاصل جمع سؤال‌های فرعی، باید سؤال اصلی شکل بگیرد. سؤال‌های فرعی «عنوان‌ساز» فصل‌های پایان‌نامه هستند. این سؤال‌ها، باید وحدت رویه داشته و قسیم یکدیگر باشند. هیچ‌گاه نباید سؤال فرعی با سؤال اصلی یکی شود.

تأکید می‌شود که برای محتوای فصل «کلیات» پایان‌نامه سؤال طرح نکنید؛ زیرا هر بحثی را که انتخاب کنید، مجاز هستید معنای لغوی و اصطلاحی و یک بحث مختصر مبنایی و لازم را در کلیات بگنجانید. بنابراین، نیازی نیست که در باره معنای لغوی و اصطلاحی و مبنایی بحث، سؤال طرح کنید. چون این سؤال‌ها، اصطلاحاً فرع و شاخه سؤال اصلی محسوب نمی‌شوند، بلکه سؤال‌های مقدماتی، زمینه‌ای و غیرفرع هستند.

مثال ۱

۱. محققان محترم توجه دارند که در ساختار مقاله، چیزی به نام کلیات و فصل‌بندی وجود ندارد و معمولاً با ایجاد تمایز منطقی بین تیتراها و ریز و درشت کردن قلم‌ها، مهندسی بحث را پیش می‌برند.

سؤال اصلی: آسیب‌های مبلّغ کدام‌اند؟

سؤال‌های فرعی:

۱. آسیب‌های علمی مبلّغ کدام‌اند؟
۲. آسیب‌های روش‌شناختی مبلّغ کدام‌اند؟
۳. آسیب‌های اخلاقی مبلّغ کدام‌اند؟
۴. آسیب‌های روانی مبلّغ کدام‌اند؟
- ۵.

مثال ۲

سؤال اصلی: آثار عبودیت از نگاه روایات چیست؟

سؤال‌های فرعی:

۱. آثار معرفتی عبودیت از نگاه روایات چیست؟
۲. آثار عاطفی عبودیت از نگاه روایات چیست؟
۳. آثار رفتاری عبودیت از نگاه روایات چیست؟

مثال ۳

سؤال اصلی: روش تحقیق در علوم حوزوی چگونه است؟

سؤال‌های فرعی:

۱. روش تحقیق در ادبیات عرب چگونه است؟
۲. روش تحقیق در تاریخ اسلام چگونه است؟
۳. روش تحقیق در اصول فقه چگونه است؟
۴. روش تحقیق در فقه چگونه است؟

۵. روش تحقیق در علوم قرآنی و تفسیر چگونه است؟

۳-۶. سؤال‌های فرعی

پرسش‌های فرعی یا همان پرسش‌های عنوان‌ساز برای فصول، خودشان به ده‌ها سؤال ریزتر که شاید بتوانیم آنها را فرعی فرعی بنامیم، تجزیه می‌شوند. این نوع سؤال‌ها که معمولاً فراوان هستند، در زیرفصل‌ها پاسخ داده می‌شوند. اگر هر صفحه یا بند یا سطر از محتوای هر فصل را به سؤال تبدیل کنیم، سؤال‌های فرعی فرعی را پیدا می‌کنیم.

در همان مثال اول بالا، که یکی از فصل‌های آن به «آسیب‌های علمی مبلغ» می‌پردازد، باید به سؤال‌هایی دیگری پاسخ دهیم که اصطلاحاً «سؤال فرعی» نامیده نمی‌شوند؛ مثلاً منظور از آسیب علمی چیست؟ آمادگی علمی یعنی چه؟ آمادگی علمی بر چند قسم است؟ چه سطحی از آمادگی لازم است؟ چقدر باید با احادیث آشنا بود؟ چقدر باید با تاریخ اسلام آشنا بود؟ آیا حافظ بودن قرآن برای مبلغ لازم است؟ پیامبر اکرم و ائمه - علیهم السلام - از مبلغان اعزامی خود تا چه حد آمادگی انتظار داشتند؟ آیا آمادگی تبلیغی به صورت مشکک است؟ و ... اینها همگی سؤال‌های فرعی فرعی‌اند و به هیچ وجه نباید آنها را در طرح‌نامه یا پایان‌نامه خود با سؤال‌های فرعی که عنوان فصل را می‌سازند، اشتباه گرفت.

نکته‌ای را که باید در اینجا افزود، این است که موضوع یا عنوان

پژوهش را می‌توان با استفاده از روش «بارش فکری»^۱ به صدها سؤال تجزیه کرد و سؤال‌های فرعی فرعی بسیاری را پدید آورد. سؤال‌های فرعی فرعی که در روش «بارش فکری» به دست می‌آیند، آثار و برکات بسیاری را برای اندیشه به ارمغان می‌آورند. برای بارش فکری، یک روش اصیل وجود دارد و آن اینکه ابتدا یک دایره بکشید و درون آن موضوع یا عنوان را بنویسید؛ سپس با تمرکز بر اطلاعاتی که دارید، هر چه به ذهنتان می‌آید سؤال طرح کنید و بکشید سؤال‌ها جزئی باشند. همچنین در این مرحله، اصلاً به دسته‌بندی و ترتیب سؤال‌های فکر نکنید.

۷. پیشینه تحقیق

در پیشینه تحقیق، به سابقه مسئله یا تاریخچه پیدایش آن از یک‌سو، و پیشینه پژوهش‌های مسئله از سوی دیگر باید پرداخت. در ادامه، کمی این دو مطلب توضیح داده می‌شود:

۷-۱. پیشینه مسئله

در سابقه‌شناسی یا پیشینه مسئله، به فرایند و تاریخچه پیدایش مسئله توجه می‌شود. در این مرحله، باید بیان کنیم که مسئله کجا و چگونه به وجود آمده است و تطورات، تحولات و وضعیت فعلی آن چگونه

۱. برای اطلاعات بیشتر در باره «بارش فکری» ر. ک: خودآموز مقدمات پژوهش، حسن اسلام‌پور کریمی، انتشارات سمت و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۳، درس‌های ۴ و ۵.

است. به عنوان مثال، پزشک از بیمار می‌پرسد: این بیماری (آسم) کجا، چه وقت و چگونه در شما به وجود آمد و در این مدت چه شرایطی داشته است؟ اگر مسئله شما در برهه‌ای از زمان وجود نداشته است، سعی کنید با تحلیل نشان دهید که فضای مساعدی برای طرح آن نبوده است.

۷-۲. پیشینه پژوهش‌های مسئله

در باره ضرورت سابقه‌شناسی پژوهش‌های انجام شده، به این واقعیت واقفیم که علم، محصول عقل جمعی بشر و تدریجی و ذره‌ای و همراه با خطا است. در پیشینه پژوهش‌های مسئله، منابع موجود را در یک سیر کلی می‌بینیم یا آنها را به چند دسته تقسیم و محتویات آنها را ارزیابی می‌کنیم. با این کار، روند تلاشها برای حل مسئله را رصد می‌کنیم تا به وضع فعلی آن برسیم. در همین جا است که می‌توانیم به چگونگی نوآوری‌های خودمان نیز اشاره کنیم. در این مرحله، باید مطالعه عمیق، انتقادی و گزینش‌گرانه باشد. می‌توانیم ابتدا فهرستی از منابعی که در مظان فایده برای ما هستند، تهیه کرده و از منابع خاص‌تر و معتبرتر، مطالعه عمیق و نقدی خود را شروع کنیم. شاید بسیار مفید باشد اگر با مطالعه یک مدخل دائرةالمعارفی که با بحث ما بیشتر مرتبط است، به زوایا و ابعاد مهم بحث پی‌ببریم. این امر، همان تکمیل «آموزش» است که باید قبل از «پژوهش» اتفاق بیفتد.

در نگارش پیشینه پژوهش، بهتر است سیر تاریخی آثار را رعایت و

مسئله منتخب خود را در روند علم توجیه کنیم. اگر پژوهش‌های قبلی در کار نباشد، به این نکته اشاره کرده، مشکلات و خلل موجود را یادآور شویم. چنانچه این کارها را انجام ندهیم، متهم هستیم که کار ما لغو، تکراری، تحصیل حاصل و بدون نوآوری است.

۸. فرضیه تحقیق

فرضیه^۱، یعنی جواب حدسی به سؤال تحقیق. محقق بر اساس مطالعات قبلی و مقدماتی، به جواب حدسی و فرضیه‌ای دست می‌یابد که او را در یافتن اطلاعات مربوط یاری می‌رساند و از انحراف در تحقیق جلوگیری می‌کند. فرضیه، عبارت است از حدس و گمان اندیشمندان درباره ماهیت، چگونگی و روابط بین پدیده‌ها، اشیا و متغیرهایی که محقق را در تشخیص نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین راه برای کشف مجهول کمک می‌کند. بنابراین، فرضیه گمانی است که درست بودن یا نبودنش باید بررسی شود. فرضیه، بر اساس معلومات کلی و شناخت‌های قبلی و تجارب محقق و مطالعات مقدماتی پدید می‌آید.

فرضیه با پیشداوری تفاوت دارد؛ زیرا فرضیه مبتنی بر مطالعات و تجربیات قبلی است و فرض دانش‌پژوه بر این است که ممکن است

۱. فرضیه معمولاً از اصطلاحات پژوهش‌های تجربی است. در پژوهش‌های تجربی تبیینی یا علی باید فرضیه داشته باشیم؛ اما در پژوهش‌های تفسیری (اجتهادی) نیازی به فرضیه نیست.

این فرضیه درست یا غلط باشد. به همین دلیل، در تحقیق خود به دنبال اثبات یا رد آن است؛ در حالی که پیش‌داوری، از نظر اخلاق پژوهش یک ضعف است و چه بسا از نیل به حقیقت ممانعت کند. محققى که پیش‌داوری می‌کند عجولانه و بدون دلیل کافی نتیجه را اثبات شده می‌پندارد یا با تعصب، بر جهتی خاص یا نتیجه خاصی اصرار می‌ورزد.

فرضیه به صورت یک جمله خبری بیان می‌شود و اطلاعات قبلی و مطالعات فعلی محقق، آن را پشتیبانی می‌کند. محقق برای رسیدن به این جواب حدسی، باید به اندازه کافی مطالعه و تأمل کند.

توجه داشته باشید که به تعداد سؤال‌های فرعی؛ یعنی سؤال‌هایی که عنوان فصل را می‌سازند، باید فرضیه ارائه دهید.

برخی کارشناسان معتقداند در مواردی که یک آیه یا حدیث یا هر نص و متن دیگری را می‌خواهیم تفسیر کنیم، فرضیه یا هر نوع پاسخ قبلی، به منزله یک حجاب عمل می‌کند و ممکن است فرایند شرح و تفسیر و مرادشناسی متن را مختل سازد؛ به ویژه در متون مقدس که شائبه تفسیر به رأی نیز احساس خواهد شد. از این رو، در این نوع تحقیق‌ها، داشتن پرسش را برای استنتاج متن، کافی است و نیازی به فرضیه یا هر نوع پاسخ قبلی نیست.

در پاسخ به این کارشناسان می‌توان گفت که اگر در ابتدای فرضیه همین تحقیق‌ها بنویسیم: «با بررسی اولیه در آیات و روایات به این پاسخ اولیه رسیدیم که ...» شاید اشکال یادشده پیش نیاید. افزون بر

این، اگر معنای فرضیه درست فهمیده شود، تعصب و حجاب نمی‌آورد؛ زیرا نباید پنداشت که فرضیه حتما باید اثبات شود؛ بلکه اثبات فرضیه نیازمند بررسی است. بنابراین، راه برای جرح و تعدیل فرضیه همیشه باقی خواهد بود.

نکته دیگری که در فرضیه تحقیق لازم است بدان پرداخته شود، مبحث «پیش‌فرض‌ها و مبانی» است. باید توجه داشت که در تحقیق نباید خیلی به پیش‌فرض‌ها و مبانی پرداخت. محققى که برای استاد راهنما و مشاور و داور و برای اهل تخصص پایان‌نامه می‌نویسد، لازم نیست تمام مقدمات و مبانی را اثبات کند؛ این کار، حتی گاهی جسارت نیز محسوب می‌شود. برای رعایت تمرکزگرایی تحقیق و حفظ مسئله‌محوری آن، بایستی بر مسئله تمرکز کرد؛ نه اینکه قسمت قابل توجهی از حجم پایان‌نامه را به مبانی و پیش‌فرض‌ها اختصاص داد. اگر در مرحله تدوین، مبانی را با مسئله خلط کنیم، مقدمه از ذی‌المقدمه بیشتر می‌شود. به عنوان مثال، برای تحقیق در چگونگی روش مناظره امام رضا - علیه‌السلام - با خصم، لازم نیست برای اثبات وجود خصم، انواع تعاریف مناظره، تاریخچه مناظرات در جهان اسلام و اینکه آن بزرگوار مناظره‌هایی داشته یا نداشته است، وقت فراوانی صرف کنیم؛ بلکه باید با رعایت تناسب در حجم کل نوشتار، به سرعت خود را به مسئله اصلی برسانیم.

۹. اهداف تحقیق

کارهایی که محقق در متن تحقیق انجام می‌دهد، همان اهداف او است؛ مانند توضیح، رفع ابهام، اثبات، تعریف، دفع شبهه، توجیه، تبیین و زمینه‌سازی برای ... معمولاً با تبدیل سؤال‌های فرعی به شبه جمله، می‌توان اهداف را نیز به دست آورد.

۱۰. روش تحقیق

روش پژوهش اگرچه متعدد است؛ اما باید با مسئله تحقیق متناسب و هماهنگ باشد. بنابراین، پرسش فلسفی را باید از راه استدلال عقلی پاسخ داد؛ نه روش دیگری. به همین دلیل، مثلاً علل طلاق در جامعه امروز را نمی‌توان با تبعات فلسفی حل کرد. همچنان‌که به عنوان مثال ویژگی جنگ‌های حضرت علی - علیه‌السلام - از راه و روش تاریخی و مستندسازی جواب می‌گیرد یا جست‌وجوی نظر اسلام و قرآن از آیات و احادیث، روش تفسیری لازم دارد و از ابزار تحلیل بهره می‌گیرد. در اثبات ضرورت امام، علاوه بر ادله عقلی، از روش نقلی نیز می‌توان استفاده کرد.

محقق همچنین می‌تواند در بحث خود از رویکرد مقایسه‌ای بهره ببرد یا مسئله تحقیق خود را با روش میان‌رشته‌ای در دو یا چند رشته پاسخ دهد. افزون بر این، در برخی از پژوهش‌ها می‌توان از چند روش استفاده کرد؛ از جمله در جایی که مسئله دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف تعریفی، توصیفی، توجیهی، تبیینی و تفسیری است. در این

صورت، باید با دقت لازم در هر قسمتی روش مقتضی را اعمال کنیم.^۱ انتخاب روش مناسب، تابع مسئله و فرضیه مورد پژوهش است. باید توجه داشت آنچه که به عنوان «روش کتابخانه‌ای» نامیده می‌شود، دو مرحله دارد: ۱. مرحله گردآوری اطلاعات لازم؛ ۲. مرحله تجزیه و تحلیل محتوا یا اندیشه‌ورزی روی اطلاعات. به طور کلی، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات عبارت‌اند از: مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه و رجوع به مدارک. وقتی که مدارک مکتوب منبع تحقیق ما هستند، فیش‌برداری می‌کنیم. روش فیش‌برداری نیز به دستی و رایانه‌ای تقسیم می‌شود. برخی محققان نیز تلفیقی از دو روش را استفاده می‌کنند.

۱۱. بخش‌ها، فصول و عناوین زیرمجموعه

فهرست مطالب پایان‌نامه را می‌توانید از روی فهرست سؤال‌ها بازنویسی و ویرایش کنید. اگر قبلاً، مسئله خود را به پرسش‌های متعددی تجزیه و آنها را منظم و مرتب کرده باشید، در این مرحله مشکل خاصی نخواهید داشت. پرسش‌های فرعی، عنوان فصل‌ها را شکل می‌دهند و پرسش‌های ریزتری که در بندهای فصل باید جواب بگیرند، از فهرست مفصل سؤال‌هایی که به صورت بارش فکری طرح کرده بودید، قابل تشخیص است.

۱. رک: جمعی از نویسندگان، *پایان‌نامه نویسی*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۱۰۸.

شما در انتهای مقدمه پایان‌نامه باید از چیش و نظمی که در اجزای نوشتار ایجاد کردید، دفاع کتبی داشته باشید. باید توجه کنید که چرا تحقیق خود را مثلا در سه فصل سامان می‌دهید. توضیح دهید که حجم مطالب چرا در فلان فصل کم یا زیاد است. به هر حال، آنچه که در گزارش تحقیق شما آمده است و آنچه نیامده است، باید به صورت معقول و منطقی توجه شوند.

در ادامه این بخش، راهکارهایی را برای سازماندهی و انسجام بهتر پایان‌نامه برمی‌شمیریم:

۱. مفاهیم مرکب در عنوان تحقیق شما کدام‌اند؟ آنها را تجزیه کنید تا فصول بحث مشخص شوند؛
۲. فصل‌ها را بر اساس تعداد سؤال‌های فرعی تحقیق تعیین کنید؛
۳. توجه و تمرکز در اهداف تحقیق فراموش نشود. مباحث غیر لازم و پراکنده و بی‌ربط را نیاورید؛
۴. در مورد موضوع و مسئله خود باید اطلاعات کافی داشته باشید؛
۵. بررسی کنید که آیا تنظیم مباحث شما بر اساس یکی از الگوهای نظم‌بخشی (از کل به جزء، از کلی به جزئی، ترتیب مکانی یا زمانی و غیره) امکان دارد؟
۶. موضوع را جزئی و محدود کنید؛
۷. استفاده از تجربیات دیگران و الگوگیری و شبیه‌سازی با توجه به آثار آنها فراموش نشود؛
۸. اگر با اهل فن مشاوره کنید، ضرر نمی‌کنید.

بخش دوم

شیوه نگارش رساله علمی

پس از تکمیل و ارائه طرح تفصیلی پایان‌نامه، نوبت به تدوین و نگارش متن آن می‌رسد. رساله علمی، آخرین مرحله آموزشی مقطع سطح سه و چهار حوزه است که نگارنده پس از دفاع از آن در حضور هیئت داوران، مدرک علمی خود را دریافت می‌کند.

اگرچه نگارش رساله علمی آخرین مرحله آموزش به شمار می‌آید؛ اما در حقیقت فرایندی پژوهشی است که تقریباً تمام مراحل پژوهش را در بر دارد؛ از جمله: مسئله‌یابی، مسئله‌شناسی، طرح‌نامه‌نویسی، جمع‌آوری اطلاعات، پردازش اطلاعات، تدوین و دفاع. این مراحل، در واقع تعریف پژوهش را نیز شامل می‌شود؛ زیرا پژوهش، فرایندی است که از این مراحل تشکیل شده است.

یک. ساختار پایان‌نامه

در نگارش رساله علمی، لازم است که ساختار آن به دقت رعایت شود. عناوینی که ساختار رساله علمی را تشکیل می‌دهند، از این قراراند: چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، فصل مفاهیم و کلیات، فصول دیگر، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع. در ادامه، با این عناوین بیشتر آشنا می‌شویم.

۱. چکیده

نگارنده در این قسمت، عصاره رساله خود را حداکثر در حدود ۳۰۰ کلمه ذکر می‌کند. محتوای چکیده شامل این موارد است: جمله راهنما که به عنوان رساله اشاره می‌کند، پیشینه، اهمیت، اشاره به

مسئله، سؤال اصلی، فرضیه، مبانی پذیرفته شده، روش، ذکر نوع منابع، بیان اهم نتایج و دستاوردها و نوآوری‌ها. شایسته است چکیده به عربی نیز ترجمه و در آخر رساله ضمیمه شود. اگر زبان رساله عربی باشد، باید چکیده فارسی را در آخر ضمیمه کند و چکیده عربی را همان اول بیاورد.

۲. واژگان کلیدی

در انتهای چکیده و در حد یک سطر، باید به واژگان کلیدی اشاره شود. این کلمات را نباید معنا و ترجمه کنیم یا توضیح دهیم؛ فقط «ذکر می‌کنیم» و بین آنها ویرگول می‌گذاریم. واژگان کلیدی در واقع کار فهرست را انجام می‌دهند و به مخاطب اعلام می‌کنند که شالوده بحث گرد چه اصطلاحات و مفاهیم تخصصی دور می‌زند. از این رو، کلیدواژه‌ها نقش نمایه را در جست‌وجوهای الکترونیکی و اینترنتی دارند.

تعداد کلیدواژه‌ها معمولا تا ۱۰ مورد پیشنهاد می‌شود که نشانگر مباحث مهم تحقیق است.

برای یافتن واژگان کلیدی، باید به الفاظ مترادف و متضاد کلمات نیز توجه داشته باشید. نام شخصیت‌ها و اعلام مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری نیز ممکن است در کلیدواژه‌ها آورده شوند. همچنان‌که الفاظ مرکب، چه به صورت ترکیب وصفی و چه ترکیب اضافی در کلیدواژه‌ها قابل ذکر هستند.

در تهیه واژگان کلیدی، نباید واژه‌های خیلی عام را که جنبه

غیرتخصصی دارند، به کاربیریم؛ مثلا در مقاله‌ای که عنوان آن «تقدم تفسیر موضوعی بر ترتیبی» است، کلماتی مانند «تقدم»، «معیار»، «معیار برتری»، «رابطه» و مانند آنها، کلیدواژه‌های خوبی نیستند؛ البته با ترکیب وصفی یا اضافی، می‌توانیم تا حدودی این مشکل را برطرف کنیم؛ مثلا بگوییم: «تقدم تفسیر موضوعی» و «روش تفسیر». به هر حال، باید واژگانی را بیاوریم که به طور مستقل محتوای تحقیق ما را معرفی می‌کنند. وقتی واژه‌ای را در اینجا می‌آورید، در واقع، به مخاطب اعلام کرده‌اید که برای وی مطالب کافی در این تحقیق آورده‌اید و ارزش مراجعه دارد.

۳. مقدمه

مقدمه رساله باید مشتمل بر این امور باشد: تبیین مسئله، بیان اهمیت و ضرورت حل مسئله، سؤال اصلی، سؤال‌های فرعی، پیشینه‌ها، فرضیه، بیان اهداف، روش، توجیه ساختار تحقیق. همچنین عناصر مقدمه، از عناصر طرح تفصیلی گرفته می‌شود.

۴. فصل اول: مفاهیم و کلیات

این فصل، برای تبیین مفاهیم و کلیات مربوط به موضوع رساله، دست کم می‌تواند از دو گفتار تشکیل شود: گفتار اول، مفهوم‌شناسی و به عبارتی، مبادی تصویریه است که به معانی لغوی و اصطلاحی مفاهیم موجود در رساله می‌پردازد؛ گفتار دوم، یک بحث مبنایی، تسهیل‌کننده و مقدماتی است که خارج از سؤال‌های فرعی است؛ ولی برای پاسخ به

آنها ضرورت دارد.

این فصل نباید طولانی شود و پایان‌نامه را با کتاب اشتباه بگیریم. خلط مبانی با مسئله و طولانی‌تر شدن مقدمه از ذی المقدمه، از آسیب‌هایی است که گاهی در اینجا رخ داده است. این فصل، با بحث از معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌ها و لغات کلیدی شروع می‌شود و با یک بحث مبنايي یا هر بحث دیگری که به وجود آن نیاز است، ادامه می‌یابد؛ مثلاً اگر عنوان رساله «نقش ولایت فقیه در مبارزه با جنگ نرم در دوران معاصر» باشد، شاید صلاح بدانید چند صفحه‌ای از فصل کلیات را به معرفی جنگ نرم یا کارکردهای ولایت فقیه در جامعه دینی و یا ویژگی‌های دوران معاصر بپردازید. با توجه به اینکه مخاطبان رساله متخصصان هستند، باید در این قسمت احتیاط کرد و پیش‌فرض‌های غیر ضروری را نیاورد. در کلیات تنها باید بحثی را به عنوان پیش‌نیاز مطرح کرد که بدون آن نتوان سؤال‌های تحقیق را به سهولت جواب داد. بنابراین، اگر به مقدمه‌چینی نیاز شدید نباشد، آوردن آن موجه و قابل دفاع نخواهد بود و در صورت ذکر مقدمات غیر ضرور، نگارنده به خروج از بحث متهم خواهد شد.

۵. فصول دیگر

هر کدام از فصل‌های دیگر تحقیق باید پاسخگوی یک سؤال فرعی باشد که شاخه یا فرعی از سؤال اصلی است. بنابراین، فصل‌ها باید از لحاظ تعداد و ترتیب، بر طبق سؤال‌های فرعی تنظیم شوند.

داشتن بخش در رساله علمی، الزامی نیست؛ ولی اگر بتوان دو فصل یا بیشتر را زیر چتر یک بخش قرار داد، بخش بندی پسندیده خواهد بود.

۶. نتیجه گیری و پیشنهاد

در پایان رساله، باید با نگاهی مجدد به پرسش های تحقیق، نتیجه پژوهش را بیان کرد. در تحقیقات کتابخانه ای، معمولاً قسمت نتایج، به فصل اخیر ملحق است و فصل جدیدی نخواهد بود. اگر محقق در دوران پایان نامه نویسی به برخی ابعاد و زوایای جدید در موضوع رساله دست یافت - که از بحث او خارج اند؛ ولی ممکن است به عنوان موضوعات و مسائل جدید برای محققان بعدی قابل توصیه باشند - بهتر است آنها را با عنوان پیشنهاد در ذیل نتیجه گیری بیاورد.

۷. فهرست منابع

در فهرست منابع، اسامی تمام منابعی که در رساله از آنها استفاده شده است، باید کامل و دقیق و بر اساس نام خانوادگی مؤلفان و به ترتیب الفبایی ذکر شود؛ جز قرآن کریم و نهج البلاغه که باید قبل از همه منابع قرار گیرند.

فهرست منابع در رساله علمی به صورت زیر تنظیم می شود:

نام خانوادگی، نام، نام کتاب، مترجم، مصحح، نوبت چاپ، ناشر، محل نشر، تاریخ نشر.

چنانچه کتابی نام ناشر، محل یا تاریخ نشر نداشت، در فهرست منابع این گونه نوشته می شود: بی نا، بی جا، بی تا.

دو. روش استناد و ارجاع

در ادامه این بخش، به دلیل ضرورت و اهمیت استنادسازی و ارجاعات، توضیحاتی در باره روش استناد و ارجاع در رساله علمی ارائه می‌شود.

نقل قول‌ها

همچنان‌که استفاده مستقیم یا غیر مستقیم از اقوال و افکار دیگران در رساله علمی اجتناب ناپذیر است، چگونگی نقل این اقوال و افکار نیز اصول و قواعدی دارد که رعایت آنها در رساله علمی ضروری است. پایبندی نویسنده به این اصول و ضوابط، امانت‌داری و درست‌کاری وی را در تحقق رسالت رساله‌نویسی نشان خواهد داد. در ادامه، به دلیل اهمیت این موضوع، برخی اصول، قواعد و ضوابط ضروری در نقل قول‌ها را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

۱. ابتدا و انتهای هر کدام از «نقل قول‌هایی» که در رساله ذکر می‌شوند، باید دقیقاً مشخص باشد. برای این کار، از روش‌های زیر می‌توان استفاده کرد:

یک. قرار دادن نقل قول داخل گیومه (»«)؛

دو. نگارش نقل قول با حروف ایتالیک (به صورت کج)؛

سه. انتخاب حروف (فونت) ریزتر برای نقل قول؛

چهار. چپ‌چین کردن متن نقل قول.

۲. در پایان هر نقل قولی، حتماً از علامت ارجاع و پاورقی استفاده شود.
۳. در نقل قول و ارجاع، باید از تعریف، تمجید و ذکر عناوین و القاب افراد دوری کرد.
۴. از نقل قول با واسطه باید پرهیز شود و کلام هر عالمی را باید به کتاب همان عالم ارجاع داد؛ مگر آنکه کتاب آن عالم اصلاً وجود نداشته باشد؛ به عنوان مثال، کلام علامه حلی (ره) را باید مستقیماً به کتاب‌های خود او مستند کرد؛ نه اینکه از شیخ انصاری (ره) نقل شود؛ به این دلیل که او از علامه حلی (ره) نقل کرده است.
۵. در نقل اقوال بزرگان - اعم از علمای لغت، فقها و مفسران - باید ترتیب زمانی رعایت شود؛ یعنی وقتی کلام چند نفر نقل می‌شود، آن که زماناً مقدم بوده است، پیش‌تر آورده شود.
۶. در نقل آیات و روایات، باید دقت در امانت را کاملاً رعایت کرد؛ حتی در آیات شریفه، ضبط دقیق آنها مطابق رسم‌النخط قرآن مجید ضروری است. توصیه می‌شود آیات قرآن از نرم‌افزارهای معتبر گرفته شود و به صورت دستی تایپ نشود.

پاورقی‌ها

- چگونگی ارجاع در پاورقی صفحات رساله، باید به شرح ذیل باشد:
۱. در ارجاع به قرآن مجید باید نام سوره و شماره آیه ذکر شود؛ مثال: (بقره/۷۲).
 ۲. در ارجاع به کتب حدیثی افزون بر نام کتاب و جلد و صفحه آن، ذکر عنوان باب و شماره حدیث نیز ضروری است؛ مثال:

- (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۴، باب آداب السفر، حدیث ۵).
۳. در ارجاع به سایر کتاب‌ها، یکی از دو روش زیر به کار می‌رود:
یک. نام کتاب، شماره جلد و صفحه؛ مثال: (مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۲۳).
- دو. شهرت یا نام خانوادگی و نام مؤلف، نام کتاب، شماره جلد و صفحه؛ مثال: (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۶۲).
۴. در ارجاع به مقالات بایستی نام خانوادگی و نام مؤلف، عنوان مقاله، نام مجله، سال نشر، شماره مجله و صفحه مجله ذکر شود. افزون بر این، عنوان مقاله باید داخل گیومه («») نوشته شود؛ مثال: (ربانی گلبایگانی، علی، «امامت اهل بیت (ع) در آینه حدیث ثقلین»، انتظار موعود، ۱۳۹۲، شماره ۴۱، ص ۵).
۵. در صورت تکرار ارجاع به یک منبع، بدون فاصله، می‌توان از کلمه «همان» استفاده کرد.
۶. نام کتاب یا مجله با قلم مشکی‌تر و ضخیم‌تر (بولد) نوشته شود.
۷. برخی توضیحات ضروری که نمی‌توان در متن بدان اشاره کرد، در پاورقی آورده می‌شود؛ همانند تعریف اصطلاحات خاص یا معادل برخی واژه‌های غیر فارسی.

سه. زبان رساله علمی

رساله علمی باید با زبان فارسی یا عربی فصیح نوشته شود. بنابراین، اگر زبان رساله فارسی است، رعایت رسم‌الخط رایج و مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی الزامی است. افزون بر این، در متون علمی، باید از کلمات گفتاری پرهیز شود و متن، حالت نوشتاری داشته باشد. باید از به کار بردن الفاظ عامیانه

خودداری کرد و با رعایت ادب در نوشتار، واژگان زشت و ستایش‌های مبالغه‌آمیز را به کار نبرد. همچنین با دوری از الفاظ مترادف، تکرار عبارت‌ها، قلم‌فرسایی و اطناب مُمِل، از عبارت‌های شاعرانه، احساسی و شعاری نیز استفاده نکرد.

در کنار همه اینها، باید بین عبارت‌ها پیوند و ارتباط لازم برقرار باشد و در تمام صفحات، بندچینی منطقی رعایت شود. همچنین باید به این نکته توجه داشت که پیراستگی از اغلاط تایپی، از محسنات یک رساله خوب به شمار می‌رود.

در نگارش رساله علمی، حتماً باید از منابع معتبر و دست اول استفاده شود؛ البته مقصود از منبع دست اول، لزوماً قدیمی بودن آن نیست؛ بلکه ملاک، دقیق و قابل اعتماد بودن اثر است.

چهار. بایسته‌های نگارش رساله سطح سه

افزون بر نکات یاد شده در باره ساختار رساله، روش استناد و زبان علمی آن، برخی بایسته‌های دیگر در روند نگارش رساله علمی ضرورت دارد که به شرح ذیل است:

۱. هر رساله علمی حوزوی باید در یکی از موضوعات دینی و با محوریت مسائل دینی باشد؛ به عبارت دیگر، رساله علمی حوزوی باید به تبیین و تحلیل صحیح یا مستدل نمودن گزاره‌های دینی، دفاع از اندیشه‌های دینی و ارائه راهکارهای علمی و عملی در حوزه دین بپردازد.

بنابراین، موضوعاتی که به مسائل خاص علمی پرداخته و ارتباطی با دین ندارند - چه در حوزه علوم انسانی و چه در علوم تجربی و ریاضی - پذیرفته نمی‌شوند.

از سوی دیگر، موضوع رساله علمی حوزوی، باید با مباحث، اهداف و رسالت‌های حوزه علمی هماهنگ باشد.

۲. عنوان رساله باید با تخصص نویسنده آن هماهنگ و مطابق باشد. از این‌رو، دانش‌آموختگان مراکز تخصصی، باید مسائل متناسب با رشته تحصیلی خود را پیشنهاد دهند؛ اما طلاب غیررشته‌های تخصصی باید مسائل فقه و اصول یا مسائلی که سابقه تدوین، مطالعه و تحقیق در آنها را داشته‌اند، پیشنهاد کنند.

۳. باید به تفاوت اساسی تألیف کتاب و رساله علمی توجه کافی داشت؛ زیرا مخاطب اصلی رساله علمی، محققان و دانش‌پژوهان و استادان همان رشته هستند؛ نه عموم مردم و حتی طلاب درس خارج و هم‌تراز با نگارنده رساله. از این‌رو، رساله علمی باید از اتقان کامل در تمام زمینه‌ها برخوردار و از هرگونه اشکال و نقد محتوایی و ضعف استدلال مبرا و جنبه پژوهشی آن پررنگ باشد. در همین زمینه لازم است از پرداختن به مباحث با رویکرد آموزشی و اطلاع‌رسانی و موضوع‌محور پرهیز شود.

۴. عنوان رساله نباید خیلی کلی باشد. بنابراین، عنوان‌هایی مثل «اخلاق اسلامی»، «سیره امام علی (ع)»، «استصحاب» و ... نمی‌توانند عنوان یک رساله علمی باشند؛ زیرا بسیار کلی است و نگارنده به

عمق مسئله وارد نمی‌شود. در این موارد، محقق، تنها ساحل پیمایی کرده، از هر مسئله‌ای چیزی می‌نویسد. عنوان رساله باید محدود و مقید باشد که نگارنده بتواند در آن غور و بررسی کند. معنای مسئله‌محور بودن تحقیق همین است.

۵. در رساله علمی باید از مباحث استطرادی و خارج از مسئله انتخاب شده، جداً پرهیز کرد. بنابراین، آنچه در رساله آورده می‌شود، باید ارتباط وثیق و روشن با عنوان رساله و محل بحث داشته باشد و از نقل مطالب غیرمرتبط با آن اجتناب شود.

۶. مسئله رساله باید با نیازهای روز هماهنگ و پاسخی به آنها باشد. بنابراین، باید کاربردی یا بنیادی باشد. به عبارتی دیگر، مسئله رساله یا باید مسائل روز جامعه را به بحث بگذارد؛ مانند مسائل اخلاقی، تربیتی، فقهی، سیاسی و اجتماعی یا به مسائل بنیادی که زیرساخت‌ها و مبانی فکر دینی را تشکیل می‌دهند، بپردازد؛ مثل مباحث اعتقادی در حوزه کلام، فلسفه و معارف و دفاع از آنها برابر اشکالات و نیز مسائل بنیادی تاریخ اسلام و مسائل علم اصول، فقه، تفسیر، حدیث و ...

۷. رساله علمی باید قدرت علمی نگارنده آن را به منصه ظهور برساند. برای این منظور، رساله نباید صرفاً جنبه نقل قول داشته باشد؛ بلکه خود نویسنده در نوشته‌اش باید حضور یابد و حرفی را برای گفتن ارائه کند. به عبارت دیگر، اگر نقل قول‌های رساله را از آن بردارند، باید چیزی از خود نویسنده در آن باقی بماند. همچنین باید میزان علم و دانش نگارنده با آن رساله مشخص شود. این امر،

با تطبیق و مقایسه، بازپروری، تحلیل، نقد، جمع‌بندی و استنتاج و استنباطی که در رساله آورده می‌شود، عملی خواهد شد.

۸. رساله علمی باید چیزی بر دانش بشر بیفزاید؛ در غیر این صورت رساله علمی نخواهد بود.

پنج. بایسته‌های نگارش رساله سطح چهار

رساله علمی سطح چهار حوزه افزون بر همه بایسته‌های رساله علمی سطح سه، بایستگی‌های دیگری را نیز نیاز دارد که به شرح ذیل است:

۱. رساله سطح چهار، نشانه تخصص و خُبرگی نگارنده آن در یک موضوع خاص است. به همین دلیل، بایستی نویسنده آن، بیشترین و کامل‌ترین اطلاعات را در آن موضوع به دست آورد که متخصص‌ترین فرد آن موضوع شناخته شود.

۲. رساله سطح چهار باید نشان‌دهنده قریب‌الاجتهاد بودن نگارنده آن در همان مسئله باشد. از همین رو، ضرورت دارد که مسئله رساله جای نقد و بررسی و میدان رد و بدل آرا و انظار باشد. افزون بر این، باید اقوال، نظریات و فرضیه‌های مختلف در آن دیده شود.

نگارنده رساله باید دیدگاه‌های مختلف را نقل کند، ادله هرکدام را گزارش دهد و آنها را تحلیل، نقد و بررسی نماید. بدین ترتیب، خود نویسنده رساله پس از انتخاب مبانی لازم، باید به جمع‌بندی اقوال پرداخته، خود در آن مسئله اظهار نظر کند و با استدلال‌های

کافی، آن را به اثبات برساند. پس از آن، با ذکر ایرادها و اشکالات و شک‌هایی که احتمال دارد بر آن نظر وارد شود، به دفع و پاسخ آنها بپردازد. در انتها نیز به نتایج مترتب بر قول مختار خود روی آورد.

۳. قدرت علمی و تخصص اصلی نگارنده رساله سطح چهار باید در رساله علمی او ظهور و بروز یابد. به همین جهت، هرچه نگارش رساله عالمانه‌تر، دقیق‌تر و مستدل‌تر باشد، بهتر است. فراموش نشود که رساله سطح چهار، پژوهشی، علمی و تخصصی است و باید دقیق‌ترین اثر در آن موضوع و مسئله خاص باشد.

۴. رساله علمی سطح چهار باید تا اعماق موضوع رساله پیش رود. از این رو، تمام آنچه با مسئله ارتباط دارد، اعم از اقوال، ادله نقلی و عقلی و همه فرض‌ها و احتمالات و شقوق مختلف و تقسیمات آن، دقیقاً باید به بحث گزارده شود.

شش. تنظیم رساله

پس از فراغت از مرحله تدوین و نگارش رساله علمی بر اساس طرح تفصیلی و ساختار رساله، نوبت به چگونگی تنظیم رساله در صفحات اولیه می‌رسد. در این مرحله باید به شرح ذیل عمل کرد:

۱. صفحه الف: «عنوان رساله» (همانند روی جلد رساله)؛

۲. صفحه ب: «بسم الله الرحمن الرحيم»؛

۳. صفحه ج: «تقدیم»؛ اگر نگارنده مایل به اهدای رساله خود به کسی باشد، می‌تواند این صفحه را اضافه کند.

۴. صفحه د: «سپاس»؛ نگارنده در این صفحه، سپاس و قدردانی خود را از استادان و مراکز علمی که در جریان تدوین رساله به او کمک کرده‌اند و نیز از مدیریت حوزه علمیه ابراز می‌کند.

۵. صفحه هـ: «چکیده» و «واژگان کلیدی»؛

۶. صفحه و: «فهرست مطالب».

۷. بقیه صفحات: بعد از فهرست مطالب، نوبت به «مقدمه» رساله می‌رسد که شماره‌گذاری آن تا پایان رساله، عددی خواهد بود؛ برخلاف صفحات قبل از مقدمه که با حروف ابجد نوشته می‌شود.

هفت. روی جلد

آخرین مرحله در نگارش رساله علمی، تنظیم جلد و صحافی آن است. چگونگی اطلاعاتی که باید «روی جلد» رساله نگاشته شود، در شکل زیر نشان داده شده است:



مدیریت حوزه علمیه استان قم
رساله علمی سطح (۳ یا ۴)

عنوان رساله: ...

استاد راهنما: ...

استاد مشاور: ...

دانش پژوه: ...

سال تدوین: ...

عنوان رساله سطح (۳ یا ۴) دانش پژوه

بخش سوم

اخلاق نگارش

«اخلاق نگارش» یکی از اضلاع مهم و اصلی در فرایند پژوهش و نگارش علمی است؛ به گونه‌ای که اگر این ضلع نادیده گرفته شود، هندسه و شاکله پژوهش ناقص و ناتمام خواهد بود و چه بسا هدف پژوهش نیز محقق نخواهد شد. اینکه تعریف جامع اخلاق نگارش چیست، خاستگاه آن کجا است، چه پیشینه‌ای دارد، مبانی و پیش‌فرض‌های آن کدام‌اند و مباحث دیگری از این دست، هر چند مهم خواهند بود؛ اما مهم‌تر از آن، رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی متعارف در فرایند نگارش است. بنابراین، در این بخش از شیوه‌نامه، ابتدا برخی اصول و ارزش‌های اخلاقی نگارش شمارش می‌شود و پس از آن، فهرستی کوتاه از منابع مطالعاتی موجود در این زمینه ارائه خواهد شد.

نکته‌ای که پیش از شمارش اصول و ارزش‌های اخلاقی نگارش باید افزود، تعابیر مشابهی است که در این زمینه دیده می‌شود؛ از جمله: آداب پژوهش، آداب نگارش، آداب نویسندگی، اخلاق پژوهش و اخلاق نگارش. اگرچه با نگاه دقیق علمی می‌توان برای هر یک از این تعابیر، تعریفی دقیق و حدی منطقی برشمرد؛ اما به دلیل رعایت اختصار مقال و با توجه به ضیق مجال، از این‌گونه مباحث، اغماض و تسامح بر عنوان «اخلاق نگارش» تأکید شد. عنوانی که به نظر می‌رسد، جامع همه این مفاهیم مشابه است. بنابراین، رعایت هر آنچه که در نگارش علمی ارزش، پسند، هنجار و مثبت شمرده می‌شود و پرهیز از ضد ارزش‌ها، ناپسندی‌ها و ناهنجاری‌ها در این مسیر، «اخلاق نگارش» نامیده خواهد شد.

یک. اصول و ارزش‌های اخلاقی نگارش

یکی از پیش‌نیازها و ضرورت‌های اولیه در پژوهش و نگارش علمی، آشنایی با اصول و قواعد اخلاقی نگارش و به کار بردن آنها در فرایند نگارش علمی است. بنابراین، نگارندگان رساله علمی سطح سه و چهار حوزه لازم است پیشاپیش آنچه را که از ارزش‌های اخلاقی و آداب نویسندگی شمرده می‌شود، بشناسند و سپس آنها را در رساله خود به کار ببندند.

با نگاهی به تاریخ نگارش‌های علمی می‌توان حدس زد که اصول و قواعد اخلاقی، کمابیش در آثار علمی گذشتگان رعایت شده است؛ اما با این وجود، منابع و مقاله‌های بسیاری، با مطالعه وضعیت اخلاقی پژوهش و نگارش در گذشته و حال، به استخراج اصول اخلاقی نگارش و تدوین علمی آنها پرداخته‌اند. آنچه در ادامه می‌آید، آشنایی با برخی از این اصول و ارزش‌ها است.

یکی از منابع موجود در این زمینه، هشت اصل اخلاقی را برای پژوهش و نگارش ضروری دانسته که با اندکی تصرف و تلخیص، از این قرار است:^۱

۱. حرفه‌ای بودن در پژوهش

بدون احراز شرایط لازم و کافی به پژوهش پرداختن، امری غیر اخلاقی است. این اصل در همه حرفه‌ها صادق است. پژوهش غیر حرفه‌ای نه تنها به تولید علم و توسعه آن یاری نمی‌رساند؛

۱. ر.ک: فرامرز قراملکی، احد، «خاستگاه اخلاق پژوهش»، مجله آئینه میراث، ۱۳۸۳،

بلکه سبب حیرت و سرگستگی محقق می‌گردد.

۲. امانت‌داری^۱

رعایت حق مالکیت فکری در برخورداری از اطلاعات به دست آمده، یکی از مصادیق امانت‌داری است. حفظ منابع و ابزارهای تحقیق نیز مصداق دیگر آن است که در تحقیقات معطوف به احیای میراث مکتوب اهمیت فراوانی دارد. ... به تعبیر زرین‌کوب، محقق را هیچ آفتی از این بدتر نیست که به سرقت و انتحال کار دیگران عادت کند.^۲

۳. رازداری

محقق به بسیاری از اطلاعات شخصی افراد دست می‌یابد که اسرار افرادند و فاش کردن آنها تعدی به حقوق دیگران است. این امر در مطالعات تجربی انسانی اهمیت بسزایی دارد.

۴. قضاوت مستدل

^۱ . ملنزم نبودن به این اصل مهم اخلاقی در نگارش‌های علمی، پژوهشگر را به «سرقت یافته‌های دیگران» می‌کشاند. «سرقت علمی یا انتحال، جایی رخ می‌دهد که پژوهشگر از یافته‌های دیگران استفاده کند؛ اما در معرفی منابع اصلی خود یا کسانی که این یافته از آنان است، یکسره بپرهیزد یا کوتاهی کند. سرقت علمی شکل‌های مختلفی دارد. از سرقت مستقیم آرای دیگران گرفته تا ارجاع ناکافی یا غیر دقیق دادن» (ر.ک: اسلامی، سیدحسین، نوشتن در جزایر پراکنده، اول، نور مطاف، قم، ۱۳۹۱، ص ۴۱)

^۲ . زرین‌کوب، عبدالحسین، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، اساطیر، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۲.

محقق در مقام توصیف، تبیین و حتی ارزش داوری باید پایبند استدلال باشد و هر گونه حکم به نفی و اثبات را منوط به ادله کافی بداند.

۵. رهیافت نقادانه

اگر آزادی از دست رود، همه چیز از دست می‌رود و شرط لازم دست‌یابی به آزادی، کسب معرفت است، این هم مرهون رهیافت نقادانه به معرفت است نه متکی به سرسپردگی. اصل نقد در تحقیقات معطوف به احیای میراث مکتوب اهمیت بسیار دارد؛ زیرا نقد نسخ خطی، نقد منابع، نقد انتساب‌ها و اعتبارسنجی دارای نقش بنیادین در این مقام است.

۶. نقدپذیری

همان‌گونه که اخذ رهیافت نقادانه اخلاقی است، نقدپذیری نیز اخلاقی است. عجب، غرور و به ویژه تکبر ناشی از پیشکسوتی عوامل نقدناپذیری را محقق می‌کند. نقدی که بر تحقیقات ما نوشته می‌شود، بهترین هدیه‌ای است که می‌توان به دست آورد. نقدها را ارج نهیم و ناقدان را تکریم کنیم.

۷. کثرت‌گرایی روش‌شناختی

اخذ حصرگرایی روش‌شناختی، از مهم‌ترین مواضع خطاپذیری محقق است. حصرگرایی نه تنها به لحاظ حرفه‌ای بر اثربخشی تحقیق صدمه وارد می‌کند.

۸. رعایت حریم شخصی افراد

ورود به حریم شخصی افراد، بدون توافق آگاهانه، تعدی به مهم‌ترین حق آنان است.^۱

برخی دیگر از منابع موجود در این زمینه، افزون بر اصول و قواعد یادشده، سه اصل دیگر را برای رعایت اخلاق و آداب در نگارش‌های علمی بر شمرده‌اند که با تلخیص و تصرف به شرح ذیل است:

۹. کسب رضایت آگاهانه

پژوهشگر در شرایطی لازم است مشارکت‌کنندگان در پژوهش را با ارائه اطلاعاتی راجع به هدف، روش، خطرها، مشکلات، ناملایمات و پیامدهای ممکن پژوهش آماده و رضایت آگاهانه آنان را کسب کند. رعایت این اصل اخلاقی در پژوهش‌های میدانی و تجربی ضرورت بیشتری دارد.

۱۰. صداقت

صداقت یکی از مهم‌ترین اصولی است که اساس جوامع انسانی را تشکیل می‌دهد. نهاد علم، دانش و پژوهش نیز بر صدق بنا شده است. اخلاق پژوهش ایجاب می‌کند که پژوهشگر در ارائه صادقانه

۱. ر.ک: فرامرز قراملکی، احد، «خاستگاه اخلاق پژوهش»، مجله آیینہ میراث، ۱۳۸۳، شماره ۲۷.

نتایج و توزیع و اشاعه آن به جامعه پژوهشی کوشا باشد. صداقت، یکی از ویژگی‌های مهم پژوهشگران است، به ویژه آنجا که چیزی نمی‌داند یا توان انجام آن را ندارد.

۱۱. بردباری

یکی از مهم‌ترین اصل در انجام پژوهش‌ها حلم و بردباری و اجتناب از شتاب‌زدگی در انجام تحقیقات است؛ چرا که آموزش و پژوهش وقت‌گیر است و برای به ثمر نشستن آن بایستی منتظر ماند و این مهم نیازمند صبر و بردباری پژوهشگر است. قطعاً پژوهشگر اگر در تحقیق خود، صبر و بردباری پیشه کند ثمرات این بلند همتی و حلم خود را خواهد دید. نتیجه چنین پژوهشی است که می‌تواند مفید واقع شود.^۱

در نوشته‌ای دیگر، برخی عرصه‌های اخلاق پژوهش این‌گونه شمارش شده است:

«۱. خودفریبی پژوهشگران؛ ۲. دستکاری داده‌ها و نتایج؛ ۳. سوء استفاده از سوزده‌های انسانی؛ ۴. رفتار نادرست با حیوانات آزمودنی؛ ۵. سرقت یافته‌های دیگران؛ ۶. سوء استفاده از نتایج تحقیق.»^۲

۱. ر.ک: حسین خنیفر، حامد بردبار، فریبا فروغی‌قمی، «تبیین مؤلفه‌های اخلاقی و فرهنگی در پژوهش»، مجله معرفت/اخلاقی، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰، صفحه ۸۵ - ۱۰۴.

۲. ر.ک: اسلامی، سیدحسین، نوشتن در جزایر پراکنده، اول، نور مطاف، قم، ۱۳۹۱، ص ۲۸ - ۴۳.

این عرصه‌های اخلاقی، بیشتر به آفت‌ها و آسیب‌هایی می‌ماند که ممکن است هر پژوهشگر و نویسنده‌ای را به خود آلوده سازد. بنابراین، می‌توان از آنها به «آسیب‌ها و آفات اخلاقی پژوهش و نگارش» نیز یاد کرد.

در جای دیگری از همین نوشته، پنج محور کلی از «ضوابط اخلاقی حاکم بر فرایند پژوهش» به میان آمده که از این قرار است:

«۱. رعایت مسائل اخلاقی در انتخاب موضوع تحقیق؛ ۲. توجه به

میراث جامعه علمی؛ ۳. گردآوری و تحلیل داده‌ها؛ ۴. رفتار با

آزمودنی‌های انسانی؛ ۵. مسائل اخلاقی در ارائه گزارش تحقیق.»^۱

همین نوشته، با توجه به اهمیت پیشینه تحقیق و ضرورت ارجاع به معاصران، رعایت نکردن این اصل را از ضعف‌های اخلاقی پژوهشگر دانسته و برخی دلایل عدم ارجاع به معاصران را چنین بر شمرده است:

«۱. بی‌خبری؛ ۲. بی‌اعتمادی؛ ۳. رقابت؛ ۴. نفرت؛ ۵.

ملاحظات دوستانه؛ ۶. خودبزرگ‌بینی؛ ۷. سرقت علمی.»^۲

نوشته‌ای دیگر که به موضوع اخلاق در پژوهش و نگارش پرداخته، اصول اخلاقی پژوهش و نگارش را به دو محور شایسته و ناشایسته تقسیم کرده است. طبق این اثر، برخی اصول شایسته اخلاق پژوهش عبارت‌اند از:

۱. ر.ک: همان، ص ۶۶ - ۷۵.

۲. ر.ک: همان، ص ۹۶ - ۱۰۳ و همو، «نوشتن در جزایر پراکنده؛ فقر علمی یا ضعف

اخلاقی» فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۳۰ - ۳۱، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴ - ۱۲۸.

«... انصاف ورزیدن، رعایت حریم شخصی افراد، شهامت پژوهشگر، پرداختن به مسائل ضروری جامعه، حقیقت‌جویی پژوهشگر، نشاط، درک و فهم قوانین و سیاست‌ها و مقررات، پاسخگویی، تعهد به استفاده از نتایج پژوهش، نظم و انضباط، آشنایی با پیشینه پژوهش، تواضع.»^۱

این اثر، همچنین اصول ناشایست اخلاق پژوهش را این‌گونه برشمرده است:

«سرق‌محتوایی، ارسال مقاله به چند مجله مختلف، چاپ مضاعف مقاله، حسادت، شتابزدگی، دخالت‌دادن خواسته‌های شخصی، عُجب و غرور، انحصارطلبی.»^۲

دو. منابع مطالعاتی در باره اخلاق پژوهش و نگارش

منابع و آثار بسیاری، از کتاب گرفته تا مقاله و جز این دو، در باره اخلاق پژوهش و نگارش تدوین شده که خوب است هر یک از نگارندگان رساله‌های علمی سطح سه و چهار حوزه، پیش از اقدام به انتخاب موضوع و تدوین رساله خود، نگاهی به این دست منابع و آثار بیفکنند و با تورق مطالب مربوط به اخلاق و آداب نگارش علمی، اثر خود را پیشاپیش از آفات و آسیب‌ها اخلاقی ایمن سازند.

۱. ر.ک: خالقی، نرگس، /اخلاق پژوهش و نگارش، اول، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۹۰، ص

۳۴ - ۴۷.

۲. ر.ک: همان، ص ۴۸ - ۵۲.

در ادامه، با فهرست عناوین برخی از این منابع و آثار آشنا می‌شویم:

۱. اخلاق پژوهش و نگارش، به کوشش نرگس خالقی، ویراستار علمی و ادبی: عبدالحسین طالعی، چاپ اول، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۹۰؛
۲. اخلاق پژوهش، جواد محدثی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۹۰؛
۳. اخلاق پژوهش، محسن نیازی و عباس زارعی، دعوت، تهران، ۱۳۸۷؛
۴. اخلاق پژوهش، مبانی و مسائل، [ویراست دوم] گروه نویسندگان، به کوشش محسن جوادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۹۱؛
۵. اخلاق در پژوهش علوم انسانی، گوردون وود، مصحح و مترجم: حمیرا الوندی، نشر اسلامی فرهنگ ملل، تهران، ۱۳۸۳؛
۶. اخلاق در پژوهش و نگارش، خدابخش کرمی، مرشد، تهران، ۱۳۸۰؛
۷. اخلاق در پژوهش، گردآوری: حسن فرید و دیگران، انتشارات نوروزی، گرگان، ۱۳۸۷؛
۸. اخلاق در پژوهش، منصوره صراطی شیرازی، ویراستار: داریوش فرهود، [برای] پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، تخت

جمشید، شیراز، ۱۳۹۱؛

۹. اخلاق علم، دیویدبی رسنیک، ترجمه مصطفی تقوی و محبوبه مرشدیان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۲؛

۱۰. اخلاق نگارش، محمد اسفندیاری، نور مطاف، قم، ۱۳۹۰؛

۱۱. اخلاقیات العلم: مدخل، دیفید ب. رزینک، ترجمه عبدالنور عبدالمنعم، مراجعه ا.د. یمنی طریف الخولی، مجلس الوطنی للثقافه والفنون والاداب، کویت، ۱۴۲۶ق. = ۲۰۰۵م. = ۱۳۸۴؛

۱۲. آفات علم؛ آسیب‌شناسی حیات علمی دانشمندان، جواد محدثی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱؛

۱۳. پژوهش در اخلاق و معرفت اسلامی، یونس رنجی، ارومیه، ۱۳۸۱؛

۱۴. پژوهش در آینه اخلاق، نادیا مفتونی، با مقدمه احد فرامرزرقلملکی، خانه کتاب، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تهران، ۱۳۹۱؛

۱۵. تاثیر اخلاق در اجتهاد، سعید ضیائی فر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۸؛

۱۶. تأملی بر اخلاق پژوهش در آموزش عالی، حسن اسلامیان و دیگران، ارسطو، سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و

نشر ایران، مشهد، ۱۳۹۳؛

۱۷. تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه؛ بازخوانی

ظرفیت‌های اصول فقه در حل تعارضات اخلاقی، حسین بوسلیکی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱؛

۱۸. دانش و ارزش؛ پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق،

عبدالکریم سروش، بی‌جا، بی‌تا؛

۱۹. رهایی از کمند اخلاق علمی، علی ابراهیم‌زاده، اطلاعات،

تهران، ۱۳۸۷؛

۲۰. فرهنگ تحقیق، پژوهش و نگارش، محمد دامادی،

دانشگاه آزاد اسلامی ورامین، ورامین، ۱۳۸۳؛

۲۱. فناوری، فرهنگ و اخلاق، علی پایا، پژوهشگاه فرهنگ،

هنر و ارتباطات، تهران، ۱۳۸۷؛

۲۲. مقدمه‌ای بر اخلاق در پژوهش، مهدی شهبازی، امیر

عباسقلی‌پور، علوم ورزشی، تهران، ۱۳۹۳

۲۳. منشور و موازین اخلاق پژوهش، تدوین‌کننده: کمیته

اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ مدیر

اجرایی: لیلا فلاح‌نژاد. دانشگاه شهید چمران، اهواز،

۱۳۹۰؛

۲۴. نقش رضایت در پژوهش‌های علوم پزشکی، محمود

عباسی، حقوقی، تهران، ۱۳۸۲؛

۲۵. نوشتن در جزایر پراکنده؛ جستارهایی در اخلاق

- پژوهش، سیدحسن اسلامی، نور مطاف، قم، ۱۳۹۱؛
۲۶. نویسنده مقاله کیست؟ پلثریسم چیست؟، مهسا قجرزاده،
ویراستار علمی: شهریار غریب‌زاده، سرای نشر، تهران،
۱۳۹۰؛
۲۷. فصلنامه پژوهش و حوزه (ویژه ادبیات و نویسندگی در
حوزه)، معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، شماره ۲۳ و
۲۴، ۱۳۸۴؛
۲۸. «نوشتن در جزایر پراکنده؛ فقر علمی یا ضعف اخلاقی»،
سیدحسن اسلامی، فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۳۰
و ۳۱، ۱۳۸۶.

بخش چهارم

پیوست‌ها

یک. دستورالعمل تدوین رساله علمی

دستورالعمل تدوین رساله علمی سطح سه و چهار که نویسندگان باید رعایت کنند، به شرح ذیل است:

۱. پس از تصویب عنوان، نخست لازم است نویسنده طرح تحقیق رساله را با رعایت موارد ذیل تهیه کند:

۱-۱. تبیین مسئله رساله و محدوده آن؛

۲-۱. بیان اهمیت و ضرورت بحث درباره آن؛

۳-۱. بیان پیشینه مسئله و پیشینه پژوهش‌های مسئله؛

۴-۱. بیان سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی مورد تحقیق؛

۵-۱. ذکر فرضیه تحقیق؛

۶-۱. بیان اهداف و فواید تحقیق؛

۷-۱. ذکر روش تحقیق رساله علمی (تاریخی، توصیفی،

کتابخانه‌ای، میدانی، استدلالی و ...)

۸-۱. تنظیم اولیه بخش‌ها و فصول و عناوین زیرمجموعه آنها

همراه با توضیح اجمالی مباحث؛

۹-۱. فهرست منابع.

۲. حداکثر مدت زمان پیشنهاد موضوع [عنوان] و اساتید راهنما و مشاور، ۴۰ روز است.

۳. حداکثر مدت زمان تهیه طرح، پس از تصویب عنوان، سه ماه است.

۴. طرح تحقیق، قبل از تحویل به کمیته تخصصی، لازم است به تأیید استاد راهنما برسد.

۵. طرح تحقیق، پس از تأیید استاد راهنما، لازم است برای تصویب نهایی به کمیته تخصصی مربوط تحویل داده شود.
۶. پس از تصویب طرح توسط کمیته تخصصی مربوط، نویسنده باید رساله را زیر نظر اساتید راهنما و مشاور تدوین نماید.
۷. در رساله علمی از نظر ساختار ظاهری و شکلی، باید موارد ذیل رعایت شود:

- ۱-۷. روی جلد، نام عنوان، نام استاد راهنما و مشاور، نام نویسنده، تاریخ پایان تدوین و سطح رساله نوشته شود؛
- ۲-۷. فهرست مطالب در ابتدا قرار گیرد؛
- ۳-۷. رساله علمی باید دارای مقدمه‌ای باشد شامل موارد زیر:

- ۱-۳-۷. تبیین مسئله (تعریف عنوان، تبارشناسی، تعریف مسئله، محدودسازی آن)؛
- ۲-۳-۷. بیان اهمیت و ضرورت بحث؛
- ۳-۳-۷. ذکر سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی؛
- ۴-۳-۷. بیان پیشینه مسئله و بیان پیشینه تحقیق و نقاط اشتراک و افتراق مورد نظر با کارهای انجام شده؛
- ۵-۳-۷. بیان فرضیه و پیش فرض‌ها؛
- ۶-۳-۷. بیان اهداف تحقیق؛
- ۷-۳-۷. توضیح روش تحقیق؛
- ۸-۳-۷. توجیه ساختار تحقیق؛

۴-۷. رساله باید از بخش‌های منطقی یا فصل‌بندی متناسب با سؤال‌های فرعی ناشی از سؤال اصلی، برخوردار باشد و در پایان هر بخش و فصل، حاصل بحث به صورت روشن بیان شود. بهتر است عناوین فصل‌ها را با سؤال‌های فرعی هماهنگ کنید؛

۵-۷. خاتمه رساله باید به جمع‌بندی نهایی و نتیجه‌گیری رساله اختصاص یابد. این قسمت - اگر مفصل نباشد- به فصل اخیر ملحق می‌شود؛

۶-۷. فهرست تفصیلی منابع و مآخذ باید هم در پاورقی و هم در پایان رساله آورده شود. در پاورقی، نام کتاب، جلد و صفحه کافی است؛ اما در پایان رساله، خصوصیات منابع به طور کامل و به سبک رایج باید نوشته شود؛

۷-۷. در نگارش رساله باید قواعد دستوری (ادبیات) در حد لازم رعایت و حتی‌الامکان ویرایش شود؛

۸. محتوای رساله باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱-۸. رساله علمی باید نتیجه تحقیق و ابتکار خود نویسنده باشد؛ نه کار گروهی؛

۲-۸. مسئله مورد بحث باید به صورت روشن، تقریر و تنقیح شود؛

۳-۸. اقوال و نظرهای دیگران باید گویا و روشن و حتی‌الامکان بدون واسطه بیان شود؛

۸-۴. در تدوین رساله باید انسجام کامل بین مطالب و بندچینی (پاراگراف) رعایت شود؛

۸-۵. در رساله سطح چهار، علاوه بر ویژگی‌های مذکور، نقل و جمع اقوال صاحب‌نظران کافی نیست؛ بلکه باید مشتمل بر رأی مختار نویسنده همراه با دلیل و تحلیل و نقد اقوال مخالف باشد؛

۹. حداقل صفحات رساله در سطح سه، ۱۰۰ صفحه A_۴ و حداکثر ۱۵۰ صفحه است و در سطح چهار، ۱۵۰ صفحه A_۴ و حداکثر ۲۰۰ صفحه است. ضمناً هر صفحه حداقل حاوی حدود ۲۵۰ کلمه باشد.

۱۰. زمان تدوین رساله، پس از ابلاغ موضوع و تصویب طرح در مورد رساله سطح سه، حداقل ۹ ماه و حداکثر ۱۸ ماه و در مورد رساله سطح چهار، حداقل یک سال و حداکثر سه سال است.

تبصره ۱: در موارد استثنائی، حداکثر زمان تدوین رساله، با موافقت استاد راهنما و تصویب کمیته مربوط، تا یکسال قابل تمدید خواهد بود.

تبصره ۲: عدم ارائه رساله در فرصت مقرر، به منزله انصراف تلقی می‌شود و متقاضی می‌تواند در ثبت‌نام جدید شرکت کند.

۱۱. رساله پس از اتمام باید به تأیید اساتید راهنما و مشاور برسد و فرم «تأییدی استادان راهنما و مشاور جهت برگزاری جلسه دفاعیه» - که نشان‌دهنده آمادگی رساله برای دفاع است - توسط آنان امضا و تحویل واحد رساله‌ها شود.

دو. فلوچارت فرایند نگارش رسالهٔ علمی

فهرست منابع

۱. اسلام‌پور کریمی، حسن، خودآموز مقدمات پژوهش، چاپ دوم، انتشارات سمت و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۳؛
۲. اسلامی، سیدحسن، «نوشتن در جزایر پراکنده؛ فقر علمی یا ضعف اخلاقی» فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۳۰ و ۳۱، ۱۳۸۶؛
۳. _____، نوشتن در جزایر پراکنده، چاپ اول، نور مطاف، قم، ۱۳۹۱؛
۴. جمعی از نویسندگان، پایان‌نامه‌نویسی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۴؛
۵. حسین خنیفر، حامد بردبار، فریبا فروغی‌قمی، «تبیین مؤلفه‌های اخلاقی و فرهنگی در پژوهش»، مجله معرفت اخلاقی، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰؛
۶. خالقی، نرگس، اخلاق پژوهش و نگارش، چاپ اول، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۹۰؛

۷. زرین کوب، عبدالحسین، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، اساطیر، تهران، ۱۳۷۱.
۸. فرامرز قراملکی، احد، «خاستگاه اخلاق پژوهش»، مجله آیینه میراث، شماره ۲۷، ۱۳۸۳؛